



The Necessity of Policy Labs for Governance in the Future of Iran and Its Social Implications

Saman Yousefvand¹ 

1. Department of Socio-Cultural Governance, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: samanyousefvand@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21 May 2024

Received in revised form: 17
November 2024

Accepted: 08 January 2025

Published online: 15 March
2025

Keywords:

Decision-Making, Policy
Lab, Problem-Solving,
Rationality, Social
Governance.

ABSTRACT

Policy labs are widely recognized as essential instruments for policy design. The primary concentration of these laboratories is social issues, and they operate globally in a dynamic and active manner. This study aims to investigate the social repercussions of policy labs by utilizing theories of public sociology and communicative action. It underscores the importance of rational and socially responsive governance for the future of Iran.

The research follows a descriptive-analytical approach and employs autoethnographic techniques to bolster the credibility of its arguments.

The findings indicate that policy labs function as boundary-spanning entities, functioning as intersections between academia, policymaking, and the public sphere. Their objective is to encourage public participation in decision-making processes and to promote consensus through reasoned argumentation by promoting communicative rationality. The study emphasizes that the social implications of policy labs in Iran include the following: the enhancement of foresight and strategic thinking, the assessment of the social impact of policies, the promotion of participatory governance, the strengthening of the social dimensions of policies, and the provision of timely policy responses to public issues. Additionally, policy labs offer a platform for pragmatic decision-making that is consistent with the governance system's capabilities.

This article contends that policy labs serve as instruments for rational governance and effective problem-solving, thereby improving the adaptability and efficiency of governance structures. Therefore, it is imperative that policymakers acknowledge policy labs as a critical element of public discourse, incorporating social considerations in addition to economic and political factors within the governance process.

Cite this article: Yousefvand, S. (2025). Social implications of the political laboratory as a necessity for governance in the future of Iran. *Social Studies and Research in Iran*, 14(1) 25-50. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.376844.1507>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.376844.1507>



دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه ضرورتی برای حکمرانی در ایران آینده

سامان یوسف‌وند^۱

۱. گروه حکمرانی فرهنگی اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: samanyousefvand@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	آزمایشگاه سیاستی از ابزارهای مورد اجماعی است که طراحی سیاست‌ها در آن انجام و به محک آزمون قرار داده می‌شود. این پژوهش با هدف ارائه دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی، ضرورت‌های اجتماعی عقلانی عمل کردن نظام حکمرانی برای ایران آینده را ارائه می‌کند. این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در آن از تکنیک اتوانوگرافی برای باورپذیرتر کردن گزاره‌ها استفاده شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱	براساس یافته‌ها، آزمایشگاه سیاستی تلاقی میدان آکادمی، سیاست و حوزه عمومی است که نقش کنشگر مرزی را ایفا می‌کند و با تقویت کنش عقلانی ارتباطی، در پی گشوده‌تر شدن تصمیم‌گیری به سوی عرصه عمومی و ایجاد وفاق و اجماع مبتنی بر استدلال است. این مطالعه نشان می‌دهد دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی در ایران ناظر بر تقویت ابعاد اجتماعی سیاست‌ها، مشارکتی کردن نظام حکمرانی، تقویت تفکر آینده‌پژوهانه و ارزیابی تأثیر اجتماعی سیاست‌ها و بهنگام کردن پاسخ‌های سیاستی به مسائل عمومی است. همچنین عرصه‌ای برای واقع‌بینی و اقدام به اندازه ظرفیت نظام حکمرانی تلقی می‌شود.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۲۷	استنباط مقاله این است که آزمایشگاه سیاست اجتماعی به‌مثابه امکانی برای عقلانی عمل کردن نظام حکمرانی و ابزاری برای فهم و حل مسئله تلقی می‌شود که کارآمدی و قابلیت نظام حکمرانی را ارتقا می‌دهد. از این رو ضرورت دارد آزمایشگاه‌های سیاستی به‌عنوان یک گفتمان عمومی مورد توجه بازیگران حکمرانی قرار گیرد و قرائت اجتماعی در کنار قرائت اقتصادی و سیاسی در این عرصه مینا باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	
کلیدواژه‌ها: آزمایشگاه سیاستی، تصمیم‌گیری، حکمرانی اجتماعی، حل مسئله، عقلانیت.	

استناد: یوسف‌وند، سامان (۱۴۰۴). دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه ضرورتی برای حکمرانی در ایران آینده. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*,

۱۴(۱): ۲۵-۵۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.376844.1507>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.376844.1507>

۱. مقدمه و بیان مسئله

سیاست اجتماعی راهکار حکومت‌ها برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات جامعه است. در این چارچوب، فرایند سیاست‌گذاری اجتماعی زنجیره‌ای از فعالیت‌های مرتبط و وابسته به هم هستند. در این مسیر یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاست‌گذاری، سازوکارهای انتخاب تصمیم یا مداخله است؛ چرا که از یک سو اتخاذ هر تصمیمی به چشم‌پوشی از چاره‌های دیگر می‌انجامد و از سوی دیگر نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تا مدت‌ها تحت تأثیر آن تصمیم خواهد بود. از این‌رو، عرصه سیاست، عرصه آزمون و خطا در جامعه نیست. مرور سازوکارهای سیاست‌گذاری در ایران نشان می‌دهد زیست‌بوم نظام حکمرانی در ایران به دلیل غفلت از رویکردهای سیاست‌گذاری اجتماعی^۱ در تدوین و اجرای سیاست‌ها، به نحوی عمل کرده است که ناخواسته مسائل اجتماعی از قبیل فقر، نابرابری و ناهنجاری‌های اجتماعی تولید و بازتولید شده است. به دلیل ضعف سازوکارهای سیاست‌گذاری در ایران، نظام تصمیم‌گیر برای پوشش ضعف‌ها و کاستی‌های خود، بی‌آنکه به ارزیابی اقدامات پیشین خود بپردازد و چرخه علمی سیاست‌گذاری اجتماعی را تکمیل کند، روش‌های حل مسئله خود را محدود به قانون‌نویسی جدید و نگارش انواع اسناد سیاستی شتاب‌زده کرده است. عمده این تصمیم‌گیری‌ها در دهه‌های اخیر^۲ یک سویه و متکی بر منطق اقتصادی و مهندسی بوده و کمتر سویه اجتماعی داشته است؛ چرا که اگر اجرای این طرح‌ها منوط به توجیه اجتماعی می‌شدند، بسیاری از آن‌ها یا مجوز فعالیت نمی‌گرفتند یا در صورت پذیرش، اجرایی شدن آن‌ها به نحو دیگری انجام می‌شد. این شیوه سیاست‌گذاری سرگردان و فاقد چشم‌انداز سبب شده طرح‌ها و برنامه‌ها یا اجرا نشوند یا در صورت اجرا، در مدت کوتاهی به ضد ایده اولیه خود تبدیل شوند و حتی مقاومت‌های اجتماعی برای اجرای سیاست‌ها به وجود آورند. از این‌رو، هر اقدام در این عرصه نیازمند احتیاط و دقت در تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرا است و نباید حیات اجتماعی را محملی برای آزمون و خطای سیاست‌مداران قرار داد.

در این چارچوب با هدف پیشگیری و کاهش عوارض جانبی نامطلوب سیاست‌ها، ضرورت ایجاد می‌کند سیاست‌های کلان نظام اقتصادی و اجتماعی کشور برآمده از سازوکارهای علمی و روشمند «طراحی سیاست» باشند. در این رابطه، آزمایشگاه‌های سیاست اجتماعی^۳ از ابزارهای مورد اجماعی هستند که طراحی سیاست‌ها در آن انجام و به محک آزمون قرار داده می‌شود. این آزمایشگاه‌ها قابلیت‌هایی را برای بهبود طراحی سیاست‌های عمومی برای رسیدگی به مشکلات بزرگ و مبرم اجتماعی فراهم می‌کنند. در این مسیر بسیاری از آزمایشگاه‌های سیاستی توسط دولت‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیرانتفاعی و انتفاعی ایجاد شده‌اند (لوئیس، ۲۰۲۱). براساس برآوردها، در دهه‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ فقط دو آزمایشگاه سیاست‌گذاری وجود داشت. در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰، چهارده آزمایشگاه دیگر در سراسر جهان تأسیس شد (پاتیک^۴ و همکاران، ۲۰۱۴) و در دهه بعد، تعداد آزمایشگاه‌ها به‌طور تصاعدی افزایش یافت؛ به‌طوری‌که نسبتاً بیش از صد آزمایشگاه را تخمین زده است (ویچر^۵، ۲۰۲۱) که در سراسر جهان وجود دارند (نمودار ۱). این

1. Social Policy

۲. از قبیل اصلاح قیمت بنزین، طرح مسکن مهر، حذف ارز ترجیحی، هدفمندسازی یارانه‌ها، طرح تحول سلامت، پروژه‌های کلان عمرانی از قبیل سدسازی‌های بی‌رویه، اصلاح نظام پرداخت حقوق و دستمزد و ...

3. Social Policy Lab

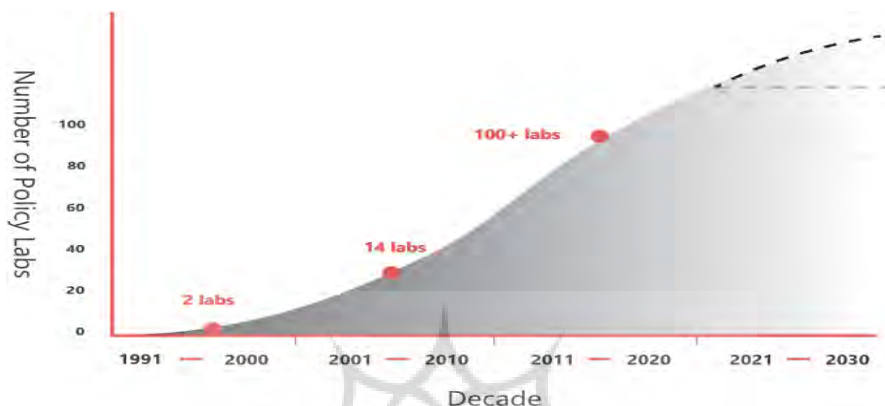
۴. آزمایشگاه طراحی هلسینکی در فنلاند (اکنون بسته شده) و PS21 در سنگاپور.

5. Puttick

6. Nesta

7. Whicher

روند رو به گسترش آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری با عناوینی از قبیل آزمایشگاه‌های نوآوری بخش عمومی، آزمایشگاه‌های دولتی، آزمایشگاه نوآوری اجتماعی، آزمایشگاه تغییر سیستم، واحدها و تیم‌های نوآوری و... در جهان (بیلی و همکاران، ۲۰۱۹) حاکی از قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و نوآوری‌هایی است که این مجموعه در اختیار حکمرانان قرار می‌دهند تا هزینه‌های تصمیم‌گیری را کاهش دهند.



نمودار ۱. روند افزایش تعداد آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری

منبع: ویچر، ۲۰۲۱

براساس مطالعات مک‌گان و همکاران (۲۰۱۸) روی ۵۲ آزمایشگاه سیاستی در استرالیا و نیوزلند، بیش از نیمی از آن‌ها در حوزه «مسائل اجتماعی، مسکن و رفاه» کار می‌کردند و حوزه‌های «اداره دولتی و حکمرانی»، «آموزش و پرورش»، «بهداشت» و «مسائل بومی» بخش‌های برجسته دیگری هستند که این آزمایشگاه‌ها روی آن‌ها کار می‌کنند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، آزمایشگاه‌های سیاستی در دنیا دارای مجموعه‌های فعال و پویایی هستند و عمده دغدغه این آزمایشگاه‌ها بر امور اجتماعی متمرکز است؛ درحالی‌که مضمون آزمایشگاه سیاست اجتماعی در ایران نه‌تنها عمومیت نداشته است، بلکه در آکادمی‌های علوم اجتماعی بسیار غریب و ناآشنا است.^۱ عمده ورود علمی در این حوزه در دانشکده‌های مدیریت و حکمرانی بوده است. از همین‌رو، بیشتر شاهد قرائتی مدیریتی و اقتصادی از موضوع آزمایشگاه سیاستی هستیم و قرائت اجتماعی از آزمایشگاه سیاستی در ایران مغفول مانده است. برای این منظور، تصمیم‌گیری‌ها نه‌تنها در چارچوب روند علمی سیاست‌گذاری قرار نگرفته‌اند و در آزمایشگاه‌ها بررسی نشده‌اند، بلکه عمده تمرکز رویکردی بر توجیهات فنی، اقتصادی و سیاسی استوار بوده و دانش اجتماعی در این عرصه کمتر به کار رفته است. گویی اسناد و برنامه‌ها ماهیتی گلخانه‌ای پیدا کرده‌اند و با کمترین ارتباط با نهاد علم اجتماعی، جامعه و ذی‌نفعان، بی‌روح متولد شده‌اند که می‌توان از آن به‌عنوان «تولد قوانین مرده» (جنین مرده متولدشده) یاد کرد؛ زیرا از یک سو سیاست‌گذار نسبت به یافته‌های علمی بی‌اعتنا و بر تجربیات شخصی خود متکی بوده است. از سوی دیگر آکادمی‌های علوم انسانی-اجتماعی به دلیل حصارکشی و تک‌روی‌های رشته‌ای و تبعیت از الگوهای سنتی تحقیق و تلاش‌های غیرروشمند در حوزه سیاست، به کلی گویی‌های نظری متهم شده‌اند. در این فرایند،

۱. اگرچه موضوع آزمایشگاه سیاستی در معنای مرسوم و امروزی آن، سابقه‌ای در تاریخ حکمرانی ایران نداشته است، اما «ارزیابی تأثیر» به‌عنوان تکنیکی از ابزارهای کاربردی در آزمایشگاه سیاستی، در حدود ۶۰ سال سابقه موضوعی در نظام دانشگاهی و کمتر از سه دهه در نظام سیاست‌گذاری ایران دارد که به صورتی نامنسجم، سلیقه‌ای و کمتر کاربردی در گفتار و اسناد سیاست‌گذاران به‌عنوان «پیوست‌نگاری» در حوزه‌های ارزیابی تأثیر زیست محیطی، پیوست فرهنگی، پیوست اجتماعی، پیوست سلامت، پیوست تأمین اجتماعی و... جاری شده است.

اعتماد بیش‌ازحد سیاست‌گذاران به تجاربشان و اعتقاد به زیاد دانستن خود، به انحراف از چرخه علمی سیاست‌گذاری منجر می‌شود و بر جهت‌گیری تصمیم‌ها آثار منفی می‌گذارد. از این‌رو ضرورت ایجاد می‌کند این عرصه مطالعاتی، به‌صورتی ساختارمند، مأموریت اصلی و کارویژه آکادمی‌های فرارشته‌ای ایران قرار گیرد. در این زمینه آزمایشگاه سیاست اجتماعی^۱ می‌تواند با اتکا به ارزیابی تأثیر اجتماعی پیش از اقدام، ضمن شناسایی آثار احتمالی سیاست‌ها، توصیه‌هایی عملی به مصلحان توسعه در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی ارائه کند.

در این چارچوب، وجود نهادها و ساختارهای لازم در این زمینه ضرورتی انکارناپذیر است که سال‌ها در نظام آموزشی، پژوهشی و سیاستی ایران مغفول مانده است. این مهم اخیراً در دانشگاه تهران با تأسیس دانشکده حکمرانی و مجموعه‌های نوپای دیگر در اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی آغاز به کار کرده و رسمیت یافته است. بهره‌گیری از قابلیت‌های آزمایشگاه سیاستی پیش از هر چیز نیازمند تبیین اهمیت، جایگاه و ضرورت‌های اجتماعی آن است تا با شناخت این عرصه بتوان چشم‌انداز و مسیر آینده را ترسیم کرد. با عنایت به اهمیت و کارکردهای آزمایشگاه سیاستی و مسائل گفته‌شده، این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش است: دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی برای حکمرانی ایران آینده چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات نظام سیاست‌گذاری، طیف و دامنه موضوعی گسترده‌ای را شامل می‌شود. از آنجا که این مطالعه در پی فهم دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی برای حکمرانی ایران آینده است، مبنای رجوع به مطالعات پیشین محدود به سابقه موضوعی آزمایشگاه سیاستی است.

سابقه کاربرد طراحی در سیاست عمومی به‌ویژه در آزمایشگاه‌های سیاستی به اواخر دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد (باسون^۲، ۲۰۱۴؛ هوولت^۳، ۲۰۱۴؛ ویچر، ۲۰۲۱)؛ درحالی‌که دولت‌ها اصول طراحی را برای خدمات بخش عمومی از دهه ۱۹۶۰ به‌کار می‌برند (ساندرز و استپرز ۲۰۰۸؛ پوتیک و همکاران، ۲۰۱۴). با این حال تاکنون ساختارهایی با عنوان آزمایشگاه سیاستی در ایران سابقه‌ای نداشته و اخیراً (۱۴۰۰) در دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دانشگاه علم و صنعت، ساختارهای مجزایی با عنوان «آزمایشگاه خط‌مشی سیاستی و حکمرانی» تأسیس شده است. البته اندیشکده‌ها، انجمن‌های علمی و کانون‌های تفکر در ایران سابقه بیشتری دارند. اگرچه آزمایشگاه‌های سیاستی از جنبه‌های گوناگون با مؤسسه‌های تحقیقاتی سنتی یا اتاق‌های فکر تفاوت دارند و کارکردهای متمایزی ارائه می‌کنند، اما به‌هرروی می‌توان آزمایشگاه‌ها را سطح پیشرفته، کاربردی و مأموریت‌گرای مؤسسات تحقیقاتی پیشین تلقی کرد که در پی تصمیم‌سازی و طراحی سیاست هستند. از این‌رو می‌توان سابقه فعالیت مؤسسات تحقیقاتی با کارویژه ارزیابی تأثیر اجتماعی سیاست‌ها، قوانین و طرح‌ها در ایران را (به‌عنوان تکنیکی از ابزارهای کاربردی در آزمایشگاه سیاستی) به سال ۱۳۳۷ با تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران پی‌جست. این مؤسسه در قالب ادبیات جامعه‌شناسی آکادمیک ایران از دل ضرورت‌های اجتماعی ایران برآمد و پاسخی علم‌محور و مسئله‌محور به این ضرورت‌ها بود (محمدخانی و همکاران، ۱۴۰۳)؛ چنان‌که آزمایشگاه‌های سیاست اجتماعی امروز نیز پاسخی علمی به مسائل پیچیده امروز جامعه هستند.

1. Social Policy Lab

2. Bason

3. Howlett

اگرچه تاکنون در ادبیات علوم اجتماعی اتکا به پیمایش‌های ملی (جواهری، ۱۴۰۰) منبع مهمی برای جامعه‌شناسی سیاستی محسوب می‌شود، آنچه آزمایشگاه‌های سیاستی را از سایر نهادهای مشابه متمایز می‌کند، اهتمام به تفکر طراحی است. در واقع کارویژه مهم این آزمایشگاه‌ها آن است که با کاربست علوم داده، جمع‌آوری شواهد و تجزیه و تحلیل و ارزیابی آن‌ها، برای شناخت و مدیریت نهادهای گوناگون بخش عمومی، روش‌های حکمرانی بدیع و ویژه‌ای را طراحی می‌کنند (پورعزت، ۱۴۰۱: ۱۷) و با فهم مسائل نظام حکمرانی در پی توانمندسازی حکومت برمی‌آیند.

همان‌گونه که اشاره شد، آزمایشگاه سیاستی از موضوعات جدیدی است که اخیراً در ایران مورد توجه صاحب‌نظران حوزه مدیریت قرار گرفته و تاکنون منابع محدودی در این باره منتشر شده است. در این رابطه می‌توان به کتاب‌های پورعزت و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان *آزمایشگاه خطمشی آوردگاه آزمون خطمشی‌های عمومی و قاضی‌نوری و همکاران (۱۴۰۰)* با عنوان *آزمایشگاه سیاستی، مفاهیم، ابزارها و کاربردها* اشاره کرد.

همچنین گزارش‌هایی کارشناسی مرتبط با مضامین آزمایشگاه سیاستی از قبیل «آزمایشگاه سیاستی: فرایندی مردم‌محور و داده‌محور» (استادعلی‌دهقی، ۱۴۰۰) و «نقش و کاربرد شبیه‌سازی در ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری، خطمشی‌گذاری و قانون‌گذاری» (اکبری و عبدالحسین‌زاده، ۱۴۰۱) نیز از منابع منتشرشده در این زمینه است که تلاش در معرفی تکنیک‌ها و ابزارهای این حوزه داشته‌اند. در این راستا پژوهش هنریچس-کراپلس^۱ و همکاران (۲۰۲۰) به اهمیت آزمایشگاه‌های سیاستی به‌عنوان فرایندی برای نزدیک‌تر کردن شواهد به سیاست‌گذاری عمومی پرداختند و با تکیه بر تجربیات حاصل از اجرای ۱۵ آزمایشگاه خطمشی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، راهنمایی برای نحوه اجرای آزمایشگاه‌های سیاستی ارائه و توصیه کردند که آزمایشگاه سیاستی به‌عنوان بخشی از فرایند درگیر کردن شواهد سیاست‌گذاری در نظر گرفته شود و نه یک فعالیت مجزا.

پورعزت (۱۴۰۰) در مقاله «طراحی آزمایشگاه خطمشی و آرایش بخردانه صحته تصمیم، برای اجتناب از داستان آزمون‌وخطا در عرصه حکمرانی قوه مجریه»، با ذکر مثال‌هایی از خطاهای تصمیم‌گیران، با در نظر گرفتن پیامدهای اجرای خطمشی‌های عمومی نآزموده و مقایسه آسیب‌های احتمالی گوناگون آن‌ها، بر ضرورت اهتمام به آزمون خطمشی‌های عمومی، پیش از تصویب و اجرای خطمشی‌های عمومی تأکید کرده است. در این چارچوب، ایزدپرست و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای در پی شناسایی و به‌گزینی ویژگی‌های مناسب برای آزمایشگاه سیاستی قوه مجریه ج.ا.ا بودند و در نهایت ساختار آزمایشگاه سیاستی غیرمتمرکز همراه با مشارکت فعال در عرصه‌های گوناگون و به‌صورت حکومتی تنوع‌گرا پیشنهاد کردند.

لوئیس^۲ (۲۰۲۱) در مقاله «محدودیت‌های آزمایشگاه سیاستی: ویژگی‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌ها» ویژگی‌های آزمایشگاه‌های سیاستی را از نظر شکل‌های سازمانی، اندازه، تمرکز و روش‌هایی که به کار می‌گیرند، بررسی و سپس فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که آزمایشگاه‌ها در رابطه با طراحی سیاست دارند، تجزیه و تحلیل کرد. در این مطالعه ذکر شده است که آزمایشگاه‌ها می‌توانند تحت کنترل دولت یا مستقل باشند و اندازه آن‌ها معمولاً کوچک و عمرشان کوتاه است و اغلب بر روش‌های طراحی تمرکز دارند. استقلال و ارتباط نزدیک آن‌ها با شهروندان و جوامع، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند که اگرچه انعطاف‌پذیری نقطه قوت کلیدی آن‌ها تلقی می‌شود، به دلیل وابستگی آزمایشگاه‌ها به حمایت سیاسی، بعضاً به‌راحتی می‌توان آن‌ها را تعطیل کرد یا نادیده گرفت. آزمایشگاه‌ها همچنین از نظر ظرفیت عملیاتی و روش‌های مورد علاقه (طراحی) با محدودیت‌هایی مواجه هستند که با فرایندهای سیاست استاندارد

1. Hinrichs-Krapels

2. Lewis

و ساختارهای بوروکراتیک در تضاد است. آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری مطمئناً قابلیت‌هایی برای بهبود طراحی خطمشی‌های عمومی فراهم می‌کنند. با این حال، آزمایشگاه‌ها در سیستم‌های مشاوره‌ی سیاستی گسترده‌تری قرار دارند و به‌تنهایی نمی‌توانند راه‌حلی برای همه‌ی چالش‌های طراحی خطمشی ارائه کنند.

ویچر (۲۰۲۱) در مطالعه‌ی «تکامل آزمایشگاه‌های سیاست‌گذاری و استفاده از طراحی برای سیاست در دولت انگلستان» نشان داد دولت انگلستان از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ علاقه‌ی زیادی در کاربرد طراحی برای سیاست داشته و چهارده آزمایشگاه را در سطح ملی و منطقه‌ای ایجاد کرده است. در این آزمایشگاه‌ها، طیف وسیعی از روش‌های نوآوری، از جمله طراحی، برای مشارکت دادن شهروندان در توسعه‌ی سیاست‌های عمومی در راستای «سیاست قدرت‌بخشیدن به مردم» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مک‌گان و همکاران (۲۰۲۱؛ ۲۰۱۸) نیز در مطالعات خود روی ۵۲ آزمایشگاه سیاستی در استرالیا و نیوزلند نشان دادند دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در حال ایجاد آزمایشگاه‌های نوآوری بخش عمومی^۱ (PSI) برای حل مشکلات جامعه هستند و با اتکا به رویکردهای مشارکتی و شهروندمحور، طراحی سیاست را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این دولت‌ها بر این باورند که آزمایشگاه‌های سیاستی مبتنی بر شواهد و به‌کارگیری تفکر طراحی متکی هستند. آن‌ها معتقدند این حوزه اخیراً مورد توجه محققان مدیریت دولتی قرار گرفته است. علاوه بر این، مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد بیش از نیمی از آزمایشگاه‌ها در حوزه‌های اجتماعی کار می‌کنند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، آزمایشگاه‌های سیاستی در دنیا دارای مجموعه‌های فعال و پویایی هستند و عمده‌ی دغدغه‌ی این آزمایشگاه‌ها بر امور اجتماعی متمرکز است؛ درحالی‌که مضمون آزمایشگاه سیاست اجتماعی در ایران نه‌تنها عمومیت ندارد، بلکه در آکادمی‌های علوم اجتماعی بسیار غریب و ناآشنا است. عمده‌ی ورود علمی در این حوزه در دانشکده‌های مدیریت است. از همین‌رو، بیشتر شاهد قرائتی مدیریتی و اقتصادی از موضوع آزمایشگاه سیاستی هستیم و قرائت اجتماعی از آزمایشگاه سیاستی در ایران مغفول مانده است. ضمناً تاکنون مطالعه‌ای درباره‌ی تشریح دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی انجام نشده است. از این‌رو، در این مقاله دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی در دستگاه نظریه‌های جامعه‌شناختی ارائه می‌شود.

۳. زمینه نظری

نظر به ماهیت چندوجهی مسائل و فضای ابهام و عدم اجماع نهادی در زیست‌بوم حکمرانی بر سر دوگانه‌های تصمیم‌گیری و نبود نگاه و تصویر کلان مورد وفاق در میدان سیاست‌گذاری و از همه مهم‌تر غلبه‌ی قرائت سیاسی و اقتصادی بر عرصه‌ی حکمرانی در ایران و غفلت از ارائه‌ی قرائت اجتماعی در این مورد، ضرورت به‌کارگیری نظریه‌های اجتماعی رهایی‌بخش احساس می‌شود. از این‌رو، نظریه‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار مایکل بوراووی^۲ (۲۰۰۵) و نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس (۱۳۹۴) در ساحت خود، دارای قابلیت تحلیلی عمیقی در تبیین سردرگمی نظام سیاست‌گذاری به‌ویژه فراگردهای متعارض تصمیم‌گیری در ایران هستند که در این مطالعه این رویکردها مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

مایکل بوراووی (۲۰۰۵) جامعه‌شناس مردم‌مدار^۳ معاصر با تفکیک چهار نوع جامعه‌شناسی حرفه‌ای^۴، خطمشی‌گذار^۵، انتقادی^۶ و

1. Public Sector Innovation Lab
2. Michael Burawoy
3. Public Sociology
4. Professional Sociology
5. Policy Sociology
6. Critical Sociology

مردمدار تلاش کرد امکانی را برای کنشگری خلاقانه جامعه‌شناسی در عرصه عمومی ایجاد کند و از حصارهای شناختی صرفاً آکادمیک جامعه‌شناسی پا فراتر نهد. به اعتقاد او این چهار حوزه صرفاً چهار وجهه یا گرایش در جامعه‌شناسی نیستند، بلکه چهار راه کاربست جامعه‌شناسی‌اند و نوعی تقسیم‌کار و تخصص‌گرایی را شکل می‌دهند. این تقسیم‌کار منظم دانشگاهی از دو پرسش بنیادی (دانش برای چه کسی و دانش برای چه هدفی) نشئت می‌گیرد که مدام فروخورده شده‌اند.

هریک از جامعه‌شناسان می‌جنگند تا این تقسیم‌کار را به نوع خاصی از جامعه‌شناسی که مورد نظر خودشان است فروبکهند و با آسیب‌گون جلوه‌دادن دیگر انواع به آن‌ها بتازند. جامعه‌شناسان حرفه‌ای به جامعه‌شناسی مردممدار می‌تازند، به این بهانه که جامعه‌شناسی را به ازای پذیرش در میان عموم مردم به بلاهت دچار می‌کند. جامعه‌شناسان سیاست‌گذار به جامعه‌شناسی مردممدار تهمت می‌زنند که جامعه‌شناسی را سیاست‌زده^۱ می‌کند و بنابراین، تأثیر جامعه‌شناسان را که متکی بر علم بی‌طرف جامعه‌شناسی هستند، به خطر می‌اندازد. جامعه‌شناسان انتقادی به نقد جامعه‌شناسی حرفه‌ای می‌پردازند از این زاویه که بنیان‌های ارزشی پژوهش‌هایش را پنهان می‌کند. همچنین از جامعه‌شناسان سیاست‌گذار انتقاد می‌کنند که در خدمت قدرتمندان قرار می‌گیرند. جامعه‌شناسی مردممدار نیز از نامربوط بودن جامعه‌شناسی حرفه‌ای انتقاد می‌کنند از این جهت که خود را وقف مناسک کردار علمی کرده است (بوراووی، ۲۰۱۴). این در حالی است که هر یک از انواع جامعه‌شناسی، وقتی خود را از دیگری متمایز می‌کنند، در معرض آسیب قرار می‌گیرند: جامعه‌شناسی حرفه‌ای به خودارجاعی^۲ دچار می‌شود، جامعه‌شناسی انتقادی به جزم‌اندیشی^۳ گرفتار می‌آید، دانش خطمشی‌گذار به دام نوکرماپی^۴ برای قدرتمندان می‌افتد و جامعه‌شناسی مردممدار عوام‌پسند یا عوام‌زده^۵ می‌شود (همان).

در این مسیر، هلث^۶ (۲۰۱۴) با بهره‌گیری از مفهوم «درگیری انتقادی»^۷ ادی ویستر (۱۹۹۵) از جامعه‌شناسی سیاست‌گذار انتقادی بحث می‌کند و قائل به هم‌آیندی و تفکیک‌ناپذیر بودن این چهار حوزه است؛ به‌نحوی که میان حوزه‌های دانش جامعه‌شناسی نوعی رفت‌وبرگشت وجود دارد و دشوار می‌توان جامعه‌شناسی مردممدار را بدون توجه به استلزامات جامعه‌شناسی سیاست‌گذار تصور کرد. همچنین میان جامعه‌شناسی انتقادی و حرفه‌ای نوعی درهم‌تنیدگی وجود دارد. بنا بر نظر هلث (۲۰۱۴) جامعه‌شناسی مردممدار اگر بخواهد بر جامعه اثر بگذارد، ضرورتاً باید از موضع حرفه‌ای و انتقادی فراتر رود و در میدان سیاست‌گذاری و مداخله درگیر شود. به تعبیر بوراووی (۲۰۱۴؛ ۱۳۹۷: ۳۱-۳۷) اگرچه بوردیو در تئوری، جامعه‌شناسی مردممدار را ناممکن می‌دانست، اما در کردار، مهم‌ترین و مؤثرترین جامعه‌شناس مردممدار زمانه بود و با پیگیری دغدغه‌های مربوط به نابرابری آموزشی و شرکت در کمیسیون‌های دولتی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به جامعه‌شناس سیاست‌گذار نیز بدل شد و موقعیت‌های جامعه‌شناس حرفه‌ای و انتقادی را نیز داشت. نظر به اهمیت این موضوع، بوراووی با استناد به مدعای دورکیم مبنی بر اینکه جامعه‌شناسی اگر صرفاً نظرورزی باشد، ارزش یک ساعت صرف وقت هم ندارد، تلاش می‌کند جامعه‌شناسی را از حصارهای آکادمیک خارج کند و به عرصه عمومی وارد کند. در این چارچوب، بوراووی (۲۸: ۱۳۹۷) معتقد است اگر میدان آکادمی بخواهد بقا یابد، لازم است دانشگاهیان راهی میدان سیاست شوند. به‌خصوص جامعه‌شناسان در این مسیر نقشی ویژه و پراهمیت دارند؛ چرا که تخصصشان آن‌ها را برخلاف میدان‌های مداوم رو به گسترش سیاست و اقتصاد به علائق و منافع جامعه مدنی پیوند می‌زند. در این مسیر، جامعه‌شناسی‌های مردممدار و سیاست‌گذار به

1. Politicizing
2. Self-Referential
3. Dogmatic
4. Captive
5. Faddish
6. Holdt
7. Critical Engagement

سبب فعالیتشان در میدان سیاست باید به جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای و انتقادی پاسخگو باشند. این فقط در صورتی میسر است که میدان‌های آکادمی و سیاست با یکدیگر تلاقی یابند و به‌جای طرد یکدیگر در پی کنش ارتباطی باشند (هابرماس، ۱۳۹۴). در این صورت «جامعه‌شناسی دوزیست»^۱ (رودریگز-گرویتو^۲، ۲۰۱۴) یا چندزیست ظهور می‌یابد؛ جامعه‌شناسی‌ای که قابلیت حضور در جهان آکادمی، حوزه عمومی و سیاست را دارد و در پی ایجاد وفاق و اجماع مبتنی بر استدلال عقلانی و انتقادی است. این شیوه عمل را به تأسی از فراستخواه (۱۴۰۲) می‌توان «کنشگر مرزی»^۳ نامید.

در این چارچوب، یورگن هابرماس^۴ فیلسوف و نظریه‌پرداز اجتماعی معاصر از صاحب‌نظرانی است که با اتکا به رویکرد «نظریه انتقادی»^۵ نظام‌های معرفتی مختلف و جنبه‌های گوناگون جامعه را به نقد می‌کشد (ریتزر، ۱۳۸۳). نظریه کنش ارتباطی، یکی از مهم‌ترین ایده‌های هابرماس (۱۳۹۴) است که در آن، کنشگران برای رسیدن به درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. در واقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا اهمیت وفاق مبتنی بر استدلال و گفتگوی عقلانی-انتقادی را نشان دهد؛ موضوعی که مسئله این روزهای نظام سیاست‌گذاری در ایران است. وی بر این باور است که منازعات اجتماعی به‌طور ایدئال باید عاری از قهر و خشونت باشد و برای رسیدن به این منظور، باید نظامی اجتماعی تحقق یابد که در آن تصمیمات و اجرای آن‌ها از طریق «استدلال» صورت گیرد، نه با حذف و نادیده‌انگاشتن دیگری.

هابرماس (۱۹۹۶) حوزه عمومی^۶ را در اطلاق به عرصه‌ای اجتماعی به‌کار می‌برد که در آن افراد از طریق مفاهمه، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل، موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های هنجاری‌ای اتخاذ می‌کنند که بر فرایند اعمال قدرت دولت، تأثیراتی آگاهی‌دهنده و عقلانی‌ساز باقی می‌گذارد. نکته قابل‌تأمل در این فرایند آن است که رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی، عمدتاً بر مبنای کنش‌های کلامی عاری از فشار و سلطه، در شرایطی عادلانه، آزادانه، آگاهانه و برابر صورت می‌گیرد (ستاری و همکاران، ۱۳۹۶)؛ یعنی درون وضعیتی که هابرماس از آن به «وضعیت کلامی ایدئال» یاد می‌کند (نوذری، ۱۳۸۶: ۲۳۵-۲۳۹). در این میان آزمایشگاه‌های سیاستی با توجه به تمرکزشان بر مسائل سیاست‌گذاری و تحلیل‌های انتقادی در مورد عملکرد دولت، یکی از ارکان حوزه عمومی کارآمد به‌شمار می‌آیند.

با عنایت به ویژگی‌های حوزه عمومی می‌توان آزمایشگاه سیاستی را عرصه‌ای عمومی تلقی کرد که در آن کنش کلامی میان ذی‌نفعان و گروه‌های اجتماعی مختلف و تخصص‌های گوناگون جامعه‌شناسی حرفه‌ای، انتقادی، مردم‌مدار، خط‌مشی‌گذار در چارچوب جلسات و بحث‌های گروهی متمرکز ایجاد می‌شود. این گفتگوها فارغ از هر نوع فشار و سلطه در مطلوب‌ترین و آرمانی‌ترین وجه خود به نحوی آزادانه نمایان می‌شود تا از طریق دیالوگ‌های صورت‌گرفته، صدای همه شنیده شود و ابعاد پنهان و پیامدهای احتمالی تصمیمات شناسایی شوند. علاوه‌براین در این عرصه استدلال مبتنی بر تعقل، نقش تعیین‌کننده‌ای در اتخاذ تصمیمات ایفا می‌کند. این

1. Amphibious Sociology

2. Rodriguez-Garavito

۳. مفهوم «کنشگر مرزی» نظریه‌ای ایرانی است که مقصود فراستخواه آن را از مطالعات تاریخ معاصر ایران به‌دست آورده و ارائه کرده است. کنشگر مرزی عاملی انسانی است که می‌کوشد در فاصله میان محدودیت‌های ساختاری ایران امکان‌هایی تازه کشف یا حتی خلق کند. وی کنشگر مرزی را حرکت میان دوگانه‌ها تعریف می‌کند و مهم‌ترین کارویژه‌های آن را در بچه‌گشایی می‌داند؛ به این معنا که پای مردم را به درون سیستم‌ها می‌گشاید. به عبارت دیگر کنشگرانی هستند که میان دولت و جامعه تردد می‌کنند. بین دیوان حکومتی و ایوان اجتماعی رفت‌وآمد می‌کند و دستور زبان سیاسی جدیدی را خلق می‌کنند.

4. Jürgen Habermas

5. Critical Theory

6. Public Sphere

عرصه با قابلیت‌هایی که از بطن جامعه می‌گیرد، می‌تواند نقش مستقیم دولت و مؤسسات اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها را تعدیل کند و حیات اجتماعی را در متن تصمیم‌گیری خود قرار دهد. با توجه به ویژگی‌های گفته‌شده می‌توان آزمایشگاه سیاستی را نوعی حرکت به‌سوی ایده «بازگشت به جامعه» الریش بک (۱۹۹۶) و جامعه‌شناسی مردم‌مدار مایکل بوراووی (۲۰۰۵) تلقی کرد. به‌نظر می‌رسد این چرخش از الگوهای حکمرانی اقتدارگرا به سمت حکمرانی اجتماعی برای جامعه‌ای مانند ایران، چرخشی بنیادی و ضروری است؛ جامعه‌ای که هم‌زمان در بسیاری از میدان‌ها در معرض فرایندهای دوگانه پیچیده و دردسرساز تغییر و منازعه است. از این‌رو، تحلیل سرشت میدان‌های آکادمی، سیاست و حوزه عمومی و تلاقی آن‌ها در آزمایشگاه سیاست اجتماعی ضروری است؛ چرا که امکانی را فراهم می‌کند که دانش اجتماعی در سطوح مختلف درگیر شود و از برچسب‌های جامعه‌شناسان بی‌جامعه، منزوی، کلی‌گو و... رهایی یابد و به‌عنوان کنشگری خلاق در بازاندیشی نظام اجتماعی مشارکتی فعالیت داشته باشد. آزمایشگاه سیاست اجتماعی به‌مثابه نقطه تلاقی دانش اجتماعی، سیاست و حوزه عمومی این امکان را می‌دهد که جامعه‌شناسی حرفه‌ای، انتقادی، سیاست‌گذار و مردم‌مدار در عین حفظ چارچوب‌ها و مأموریت‌های هریک از آن‌ها، در فرایندی هم‌افزا قرار گیرند.



نمودار ۲. آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه تلاقی میدان آکادمی، سیاست و حوزه عمومی

با توجه به ماهیت و کارکرد آزمایشگاه سیاستی که در پی فهم مسئله و ارائه دستورالعمل روشن برای حل مسائل و مشکلات جامعه است، فعالیت در این عرصه نیازمند اختیار کردن منطق عقلانیت ارتباطی است که در آن به ایجاد یک نظام هنجاربخش و کمتر تحریف‌کننده منتهی شود و عرصه اجتماعی از سلطه عرصه‌های اقتصادی و سیاسی رها شود. با این نگاه می‌توان قرائت اجتماعی از سیاست را در آزمایشگاه حکمرانی ترویج کرد.

۴. روش تحقیق

این مقاله با رویکرد روش‌شناختی توصیفی-تحلیلی با مرور منابع کتابخانه‌ای، اسناد، مقالات و گزارش‌های سیاستی مراکز پژوهشی اندیشکده‌ها و همچنین استفاده از تکنیک اتواتنوگرافی^۱ (خودمردم‌نگاری) (فاضلی، ۱۳۹۲) و تجربه محقق در میدان سیاست‌گذاری (سیاست‌پژوهی) انجام شده است. این مطالعه از یک سو با اتکا به بنیان‌های نظری جامعه‌شناختی مایکل بوراووی جامعه‌شناس مردم‌مدار و یورگن هابرماس فیلسوف اجتماعی انتقادی معاصر و از سوی دیگر، با بهره‌گرفتن از تکنیک خودمردم‌نگاری، دلالت‌های اجتماعی لازم در استقرار آزمایشگاه سیاست اجتماعی برای ایران را تبیین می‌کند؛ به طوری که ابتدا با بهره‌گیری از زمینه‌های نظری، مفاهیم و مصادیق مرتبط با ضرورت آزمایشگاه سیاستی تبیین شده و با استفاده از تجارب زیسته در میدان سیاست‌گذاری و سیاست‌پژوهی، تحلیل‌ها با واقعیت‌های اجتماعی جاری در زیست‌بوم حکمرانی انطباق داده می‌شود. این چارچوب خودمردم‌نگاری، ظرفیت‌های متعددی برای تحلیل زیست‌بوم حکمرانی در اختیار پژوهشگر قرار داده و شرایطی را مهیا کرده است تا محقق بتواند به بازانديشی محیط و موضوع مورد مطالعه خود پردازد و بستری را فراهم کند تا پژوهشگر بتواند به تولید دانش در زیست‌بوم مورد مطالعه پردازد. در این رویکرد پژوهشی، تجارب محقق از منابع اطلاعاتی مهم در فرایند تحقیق تلقی می‌شود و کمک می‌کند تا به فهم عمیق‌تری از موضوع برسد.

۵. یافته‌ها

در ادامه دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی به مثابه ضرورتی برای ایران آینده ارائه می‌شود.

۱-۵. آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی برای گشوده‌تر شدن نظام حکمرانی به سوی عرصه عمومی

معمولاً در ساختارهای رسمی، صدای حاشیه‌ها کمتر شنیده می‌شود و عموماً به واسطه تعجیل در تصمیم‌گیری‌ها و غلبه نگاه کمیته‌گرا، نمره میانگین‌ها مبنای عمل سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد و فهم واقعیت‌های زندگی اجتماعی افراد در حاشیه حاصل نمی‌شود، اما این مهم در چارچوبی خارج از ساختارهای رسمی از قبیل عرصه‌های عمومی و با اتکا به کنشگری‌های جامعه‌شناسی مردم‌مدار (بوراووی، ۲۰۰۵) تحقق می‌یابد. نظر به رویکرد حوزه عمومی (هابرماس، ۱۹۹۶) و نقش آن در اصلاح رویه‌ها و سیاست‌های غلط، نوعی تک‌صدایی در نظام سیاست‌گذاری شنیده می‌شود؛ به طوری که حوزه عمومی در سطح فرایندهای تصمیم‌گیری درباره مسائل جامعه چندان دخالت ندارد و اغلب تصمیم‌گیری‌ها به صورت متمرکز در محیط‌های دولتی انجام می‌شود؛ درحالی که عرصه عمومی عرصه تک‌صدایی نیست و در آن تکثر، پویایی و گفت‌وگو جریان دارد. به اعتقاد هابرماس هر نظامی که به سوی حوزه عمومی گشوده‌تر باشد، از مشروعیت بیشتری برخوردار خواهد بود (قانع‌راد، ۱۳۹۴). در این چارچوب، آزمایشگاه‌های سیاستی نوعی گشوده‌تر کردن نظام سیاست‌گذاری به سوی عرصه عمومی است که در آن صداهای مختلف شنیده می‌شود و تک‌صدایی در این عرصه وجود ندارد و با اتکا به مفاهیم، گفتگو و استدلال عقلانی روشن و فارغ از هرگونه سوگیری، ملاحظات لازم درباره سیاست‌ها ارائه می‌شود. در این مسیر، آزمایشگاه سیاست اجتماعی با بهره‌گیری از این حوزه باید خشم فروخورده بی‌صدایان را به برنامه‌ای برای تغییر بدل کند. این عرصه با کنشگری جامعه‌شناسی مردم‌مدار امکان دیده‌شدن گروه‌های در حاشیه را در نظام تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. در این چارچوب است

که طراحی سیاست‌گذاری اجتماعی به گفتمان عمومی تبدیل می‌شود که از یک سو جامعه را درگیر فرایندهای تصمیم‌گیری می‌کند و از سوی دیگر حکمرانان مجبور به پاسخگویی و ارائه استدلال عقلانی برای اتخاذ سیاست خاصی می‌شوند. با این اقدام، شفافیت، تعامل و پاسخگویی به‌عنوان عناصر بسیار مهم سیاست‌گذاری، عمومیت پیدا می‌کند.

۲-۵. آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه امکانی برای معنادهی اجتماعی به سیاست‌ها و تقویت بسترهای حکمرانی

مشارکتی

آزمایشگاه سیاستی از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های علم مدرن است که در پی استفاده از الگوهای همکاری و مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری است و تلاش می‌کند تلاقی میدان‌های مختلف باشد و داده‌ها، شواهد و جامعه را به سیاست‌گذاری نزدیک کند. در این چارچوب مشارکتی در عرصه آزمایشگاه، میدان مردم‌مدار با اتکا به دانش زمینه‌ای جامعه، میدان سیاست‌گذار با اتکا به دانش سیاستی حکمران، میدان حرفه‌ای با اتکا به دانش تخصصی و درنهایت میدان انتقادی با اتکا به دانش بازنمایشانه، پیرامون مسائل جامعه گرد هم می‌آیند. با این اقدام، نزاع میدان‌ها به وفاق میان آن‌ها در جهت اصلاح و بازنمایشی یکدیگر بدل می‌شود.

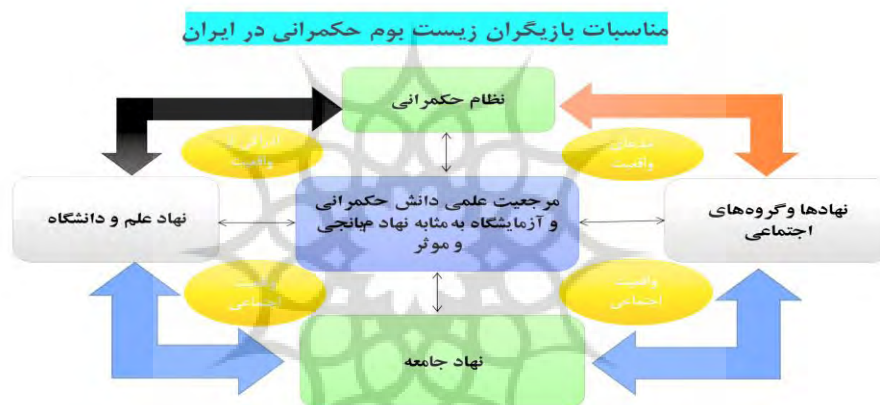
آزمایشگاه سیاستی در راستای بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت جامعه، ابزارها و تکنیک‌های لازم را مبنای عمل قرار می‌دهد تا از این طریق بتوان در مسیر حکمرانی مشارکتی باز حرکت کند. در این مسیر چنانچه هدف‌گذاری با مشارکت همه ذی‌نفعان و در حوزه عمومی شکل بگیرد و با کنش‌های عقلانی همراه شود، تصمیمات به‌نگام اجرا می‌شود و عملیات با سهولت بیشتر و با انگیزه‌ای بهتر به اجرا درخواهند آمد. در غیر این صورت پدیده «بیگانگی از سیاست»^۱ بروز پیدا می‌کند. به این معنا که مجریان در فراگرد هویت‌یابی با سیاست، ناکام و ناتوان می‌مانند (گل‌وردی، و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸؛ پورعزت و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۰)، سیاست‌زبان مشترک همه بازیگران تلقی نمی‌شود و گویی نوعی دلسردی اجتماعی نسبت به سیاست‌ها به‌وجود می‌آید.

آزمایشگاه سیاستی برای گردهم‌آوردن جریان‌ها با دیدگاه‌های مخالف و متفاوت درمورد یک موضوع و به‌منظور مذاکره و مقایسه راه‌حل‌ها طراحی شده است و با فرایند مشارکتی ایجاد ایده‌ها و وفاق بر سر اهداف سیاست‌ها می‌تواند به‌عنوان عنصری برای مهار بیگانگی سیاست عمل کند؛ زیرا در فراگرد مذاکره‌ای تدوین سیاست، مشارکت‌کنندگان با وفاق بر سر روش‌ها و اهداف، مدافع نتایج آزمایشگاه می‌شوند و روابط جدید، قابل‌اعتماد و همدلانه ایجاد می‌شود؛ چرا که گروه‌ها و جریان‌های فکری مختلف در فرایند هدف‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکت دارند و بر سر پذیرش هدف‌ها، پیشاپیش وفاق حاصل کرده‌اند. این امر نوعی «اجتماعی‌سازی سیاست‌گذاری» تلقی می‌شود. در صورتی که روش‌ها و هدف‌گذاری سیاست‌ها بدون مشارکت عمومی و یک‌جانبه انجام گیرد، نظام حکمرانی از قابلیت اجرایی لازم برای آن برخوردار نیست و تصمیمات اتخاذشده در عمل با مانع و اشکال مواجه می‌شوند و نوعی احساس «بی‌قدرتی سیاست» (تمرز، ۲۰۱۷) برای مجریان ایجاد می‌شود.

۳-۵. آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه نهاد میانجی و کنشگر مرزی

بررسی مناسبات بازیگران اصلی این عرصه (دانشگاهیان، حکمرانان، نهادها و گروه‌های اجتماعی و جامعه) در ایران نشان می‌دهد در حال حاضر اگر قائل به گسست میان آن‌ها نباشیم، لاقلاً انسجام و هماهنگی لازم میان چهار ضلع نظام حکمرانی، نهاد جامعه، علم‌الاجتماع و گروه‌های اجتماعی شکل نگرفته است. همچنین عمده ارتباطات میان این نهادها سلیقه‌ای، گزینشی و تشریفاتی

بوده و نبود نهادی واسطه با قابلیت و مهارت لازم برای ایجاد وفاق بر سر تصمیم‌ها احساس می‌شود. به نظر می‌رسد با نهادینه‌سازی و ساختارمند کردن آزمایشگاه‌های سیاستی این خلأ جبران می‌شود. در این چارچوب، آزمایشگاه‌های سیاستی با بهره‌گیری از کنش ارتباطی عقلانی با نهادها و گروه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کنند که به‌جای مطالبه‌گری خشن و بی‌هدف جریان‌های مختلف، فرایندهای مطالبه‌گری اجتماعی به نحوی نهادمند و در چارچوب قواعد اصلاح‌گری مسالمت‌آمیز و مبتنی بر استدلال انجام گیرد. با عنایت به آنچه گفته شد، می‌توان میدان آزمایشگاه خطمشی را «بازارگاه سیاست اجتماعی» تلقی کرد که در آن، طرف‌های عرضه سیاست (تصمیم‌گیران) و تقاضا (جامعه و دانشگاه) با هم در تبادل اطلاعات و خواسته‌ها هستند. با استقرار آزمایشگاه سیاستی به‌عنوان کنشگر مرزی که در میان دوگانه‌ها در تردد است، تعادل میان عرضه و تقاضا برقرار می‌شود و ناترازی چرخه سیاست کاهش می‌یابد.



نمودار ۳. مناسبات میان کنشگران بازارگاه سیاست‌گذاری اجتماعی

با اتکا بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس (۱۳۹۴) می‌توان آزمایشگاه‌های سیاستی، اندیشکده‌ها و انجمن‌های علمی-تخصصی را به‌عنوان نموده‌های عینی نهادهای میانجی و کنشگران مرزی (فراستخواه، ۱۴۰۲) حوزه عمومی تلقی کرد که ارتباط نهاد علم، جامعه و نظام حکمران را تسهیل می‌کنند. این نهاد میانجی با بهره‌گیری از ابزارهای علمی سیاست و توجه به خواست و نیازهای واقعی جامعه و قابلیت‌های نظام حکمرانی، اثرگذاری مناسبی بر روند و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها دارند؛ به‌نحوی که خواسته‌ها و مطالبه‌های اجتماعی از طریق نهادهای مرزی، صورت‌بندی‌های حقوقی مناسبی پیدا می‌کنند و به ساختارهای تصمیم‌گیر منتقل می‌شوند.

با آزمایشگاه سیاستی، امکان شکل‌گیری دانش متراکم و متمرکز درباره حکمرانی و اداره به‌وجود می‌آید. آنچه اکنون در دانشکده‌های مدیریت، علوم سیاسی و اقتصادی صورت‌بندی و عرضه می‌شود، بر حل کلیت مسئله دولت تمرکز ندارد، بلکه بر بخش‌هایی از مسئله متمرکز است. این نگاه بخشی‌نگر به‌طور مکرر به تجزیه شناختی و نقص ادراکی منجر می‌شود (پورعزت، ۱۳۹۵، عبدالحمید و عبدالحسین‌زاده، ۱۳۹۶). این در حالی است که مسائل، ماهیتی فرابخشی دارند و در چارچوب یک حصار شناختی و

مرزهای رشته‌ای محدود نمی‌گنجد (اسکات و دیویس^۱، ۲۰۰۷). همچنان مطالعات در زمینه چندرشته‌ای بودن امور نشان می‌دهد عوامل تعیین‌کننده سلامت جمعیت به‌طور پیچیده درهم‌تنیده هستند و نمی‌توان انتظار داشت که تنها با سرمایه‌گذاری در مراقبت‌های پزشکی، سلامت جامعه را ارتقا داد؛ زیرا مراقبت‌های پزشکی فقط در حدود ۲۰ درصد از تغییرات در پیامدهای سلامتی جامعه تعیین‌کننده هستند؛ درحالی‌که ۸۰ درصد متأثر از تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت (SDH)^۲ است (هود^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). در این مسیر، هلت (۲۰۱۴) نیز قائل به این است که دشوار می‌تواند دانش اجتماعی مردم‌مدار را بدون توجه به استلزامات دانش خطامشی‌گذار تصور کرد. به نظر او، جامعه‌شناسی مردم‌مدار اگر بخواهد بر جامعه اثر بگذارد، ضرورتاً باید از موضع صرف حرفه‌ای و انتقادی فراتر رود و در میدان خطامشی‌گذاری و مداخله درگیر شود.

از این‌رو، امروزه بیش از پیش نیازمند تقویت نگاه فرارشته‌ای در فرایندهای سیاست‌گذاری هستیم؛ زیرا مسائل و پدیده‌های اجتماعی که امروزه موضوع خطامشی‌گذاران هستند، سطوحی پیچیده و چندجانبه دارند و از آنجا که این موضوعات در سطوح بالای سیستم‌های اجتماعی قرار دارند، آینده‌نگری و پیش‌بینی در میان آن‌ها به‌مراتب سخت‌تر از دیگر علوم است؛ چرا که سیستم‌های اجتماعی در پیچیده‌ترین سطح آزمایش قرار دارند و در چنین بستری کاربست زبان و مرادف اجتماعی و ایفای نقش در گروه، امکان ثبات و پیش‌بینی‌پذیر بودن را کاهش می‌دهد. در این راستا، آزمایشگاه‌های سیاستی این امکان را فراهم می‌کنند که نظام سیاست‌گذاری با «آزمایش‌های فرارشته‌ای و مبتنی بر شواهد» (پلورا، نسیمتو^۴، ۲۰۲۱) در فراسوی تمایزها و مرزهای رشته‌ای قرار گیرد.

تقویت آزمایشگاه‌های سیاستی یکی از ابزارهای کارآمد نهادینه‌کردن علم در خدمت جامعه (جامعه‌شناسی مردم‌مدار) و نظام حکمرانی (جامعه‌شناسی سیاست‌گذار) است. فراگردی که طی آن، علم اجتماعی از حالت انحصاری آکادمیک و محدود به نظریه و روش (جامعه‌شناسی حرفه‌ای) خارج می‌شود و با بازاندیشی در رویه‌های مرسوم (جامعه‌شناسی انتقادی) به‌سوی حوزه‌های کاربردی گرایش پیدا می‌کند. در این راستا، گسترش و تقویت آزمایشگاه‌های سیاستی مستقل می‌تواند در این مسیر کارگشا باشد.

در صورت بهره‌گیری از آزمایشگاه سیاستی، فهم واقعیت‌های اجتماعی که از بستر جامعه برمی‌آید به‌خوبی حاصل می‌شود و مدعاها و ادراک‌های کلی از واقعیت‌های اجتماعی که از سوی دیگر ارکان حکمرانی ارائه می‌شود، به حداقل می‌رسد. بازیگران اصلی این عرصه یعنی دانشگاهیان، تصمیم‌گیران، جامعه و گروه‌های اجتماعی از نتایج و مزایای آن بهره‌مند می‌شوند؛ به‌طوری‌که دانشگاهیان در این مسیر، سختی‌ها و پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری و تفاوت‌نظرورزی و عمل‌ورزی را به‌خوبی متوجه می‌شوند و از چگونگی داده‌ها و نیاز به داده‌های باکیفیت درمورد یک موضوع سیاست درک بهتری می‌یابند. همچنین سیاست‌گذاران از اینکه چگونه دیدگاه‌های نظری و داده‌ها و شواهد موجود می‌توانند برای اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌های عملی بعدی استفاده شوند، شناخت بیشتری پیدا می‌کنند. نهادها و گروه‌های اجتماعی آگاه می‌شوند که باید مسائل و مطالبات را از مسیر علمی و منطقی پیگیری کرد، نه به روش‌های ادعاگونه و نادرست. همچنین در این مسیر نهاد جامعه نیز صدایش شنیده می‌شود. شایان ذکر است که محصول کنشگری‌ها در آزمایشگاه، به ارائه سیاست در راستای خیر عمومی جامعه منجر می‌شود. درنهایت می‌توان گفت آزمایشگاه سیاستی، نوعی صفا‌آرایی دیدگاه‌های نظری و عملی دانشگاهیان، خطامشی‌گذاران و دیگر نیروهای اجتماعی است که در این عرصه می‌توانند برای ارائه خدمات عمومی مکمل یکدیگر باشند.

1. Scott & Davis
2. Social Determinants of Health
3. Hood
4. Pólvara & Nascimento

۴-۵. آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی برای گفتگو و اجماع عقلانی بر سر دوراهی‌های تصمیم‌گیری

این روزها در مورد عدم اجماع بر سر اهداف و مسائل اجتماعی اولویت‌دار در کشور بسیار بحث می‌شود و گویی نظام حکمرانی بر سر دوراهی‌هایی (تعدیل یا عدم تعدیل یارانه‌ها، بانکداری اسلامی یا مدرن، آزادی یا امنیت، توسعه مستقل یا وابسته، مسائل زنان و...) قرار گرفته و دچار سرگردانی و بلاتکلیفی در تعیین اهداف سیاست‌ها است. علاوه بر این، نظام حکمرانی در تعیین مسائل اجتماعی اولویت‌دار در کشور با تشتت مفهومی و مصداقی مواجه است؛ چنان که در میان بازیگران سیاستی (جامعه، گروه‌های اجتماعی، دانشگاه، تصمیم‌گیران) تلقی واحدی از مسائل اجتماعی اولویت‌دار شکل نگرفته است. بیکاری، فقر و گرانی در نظر جامعه (وزارت کشور، ۱۳۹۳؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴) اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی، فقر، فساد و نابرابری از نظر خبرگان و دانشگاهیان (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷) و اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، مفاسد اخلاقی و کودکان کار در نظر مسئولان (نظام تصمیم‌گیر) (قانون برنامه ششم توسعه ج.ا.ا، ۱۳۹۶) به عنوان مسائل و آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار معرفی شده‌اند. در این چارچوب، گویی همچنان اجماعی بر سر تعاریف، مصادیق و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی وجود ندارد. این در حالی است که یکی از مبنایی‌ترین مراحل سیاست‌گذاری، فهم و شناسایی مسئله است. از این رو، می‌توان گفت مسئله اولویت‌دار اکنون، نبود ذهنیت اجتماعی مشترک میان جامعه، نهاد علم و نظام تصمیم‌گیر است. به تاسی از بوراووی (۲۰۰۵) به هر میزان این میدان‌ها خود را از دیگری متمایز کنند و در مسیر وفاق و اجماع قرار نگیرند، در دام خودارجایی، جزم‌اندیشی، نوکرمایی و عوام‌زدگی قرار می‌گیرند.

در این چارچوب، «اجماع به عنوان هدف گفت‌وگو» در نظریه حوزه عمومی هابرماس (۱۹۹۶) از امکان‌هایی است که بستر مفاهمه و گفتگو درباره مسائل و دوگانه‌های سیاست‌گذاری را فراهم می‌کند. علاوه بر این، با بهره‌گیری از نظریه کنش ارتباطی هابرماس (۱۳۹۴) در ساختارمند کردن فعالیت‌های آزمایشگاه سیاستی می‌توان با مفاهمه آزاد و فارغ از هرگونه تحمیل با استدلال عقلانی، آرا و نظرات متفاوت را به یکدیگر نزدیک کرد و از این طریق بر فرایند هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در زیست‌بوم نظام حکمرانی تأثیرگذار بود. در غیر این صورت، تداوم شرایط بلاتکلیفی و ابهام در چشم‌اندازها، تأثیرات اضطرابی را ایجاد می‌کند که ناظر بر ناتوان کردن مردم و سیاست‌مداران در تصمیم‌گیری است که نابسامانی‌های اجتماعی را موجب می‌شود.

۵-۵. آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی برای بهنگام کردن پاسخ سیاستی به مسائل اجتماعی

مرور تجارب سیاست‌گذاری اجتماعی در نظام قانون‌گذاری ایران نشان می‌دهد فرایند سیاست‌گذاری بسیار زمان‌بر بوده و عموماً این مسیر پاسخی بهنگام برای مسائل اجتماعی ارائه نکرده است (تاج‌مزیبانی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین نوعی ناترازی چرخه سیاست‌گذاری (یوسفوند، ۱۴۰۰) را شکل داده است؛ به طوری که سیاست‌ها بدون ملاحظه تقدم و تأخر اقدامات و مقتضیات موقعیت، طراحی و اجرا می‌شوند (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۵). این امر سبب شده «پنجره سیاست»^۱ (کینگدان و استانو،^۲ ۱۹۸۴) در زمان مناسب مورد استفاده نظام حکمرانی قرار نگیرد. در این فرایند، تصمیم‌گیری درباره برخی مسائل، شتاب‌زده، ضرب‌الاجلی و با کمترین مشورت کارشناسی صورت گرفته^۳ یا به قدری فرایند رسیدگی به مسئله طولانی شده که مسائل دیگری از آن بازتولید شده‌اند.^۴ هر دو

1. Policy Window
2. Kingdon & Stano

۳. مصداق این امر را می‌توان تصمیم‌گیری یک‌شبه در خصوص افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ معرفی کرد.

۴. مصداق این موضوع تصمیم‌گیری تأخیری در خصوص اجرای نظام مالیاتی، اصلاح هدفمندسازی یارانه‌ها و... است.

نوع این تصمیم‌گیری‌های تأخیری و تعجیلی ناظر بر این مسئله مهم هستند که نظام سیاست‌گذار پاسخ سیاستی مقتضی و بهنگامی برای حل مسائل اجتماعی جامعه ارائه نداده (یوسفوند، ۱۴۰۱) و صرفاً تورم اسناد و قوانین در این مسیر را در پی داشته است که علاوه بر ایجاد مشکلات بسیار در وحدت رویه، موجب پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی در حل و فصل مسائل و مشکلات جامعه شده است. ساحت دیگر موضوع به این تصور برمی‌گردد که «زمان‌بندی تحقیقات دانشگاهی سنتی با سرعت سیاست‌گذاری مطابقت ندارد» (ویچر، ۲۰۲۱) و به‌نوعی با ناهم‌زمانی مسئله، پژوهش و سیاست‌گذاری مواجه هستیم.

مرور مطالعات علمی دانشگاهی رایج در آکادمی‌های علوم انسانی و اجتماعی نشان می‌دهد حساسیت زمانی در انجام تحقیقات برای آن‌ها چندان اهمیت ندارد. درحالی‌که سیاست‌گذار در اضطرار زمانی برای تصمیم‌گیری و اجرا است، تحقیقات دانشگاهی در ایران چندان سرعت در امر پژوهش را پذیرا نیستند و عموماً با این گزاره‌ها از سوی برخی دانشگاهیان مواجه بوده‌ایم: «این کار بزرگی است یک‌شبه قابل انجام نیست، حداقل شش ماه زمان لازم دارد، کار عمیق باید انجام گیرد، کار سرسری و کم‌عمق که نمی‌خواهید و...». از سوی دیگر سیاست‌گذاران که با اضطرار زمانی نیز مواجه هستند، نتایج تحقیق را در زمان کوتاهی مطالبه می‌کنند و در پی نتایج و مشورت‌های سیاستی هستند و چندان درگیر نظریات و روش‌ها و تکنیک‌های انجام مطالعه آن‌ها نیستند. به تاسی از بوراووی (۲۰۰۵) بسته به اینکه چه گروهی از جامعه‌شناسان به پژوهش درباره مسئله بپردازند، نتایج متفاوتی استخراج می‌شود؛ به‌طوری‌که جامعه‌شناس حرفه‌ای بیشتر از نتایج سیاستی تحقیق بر نظریه‌ها و چگونگی انجام تحقیق تمرکز دارد، جامعه‌شناس مردم‌مدار در پی طرح مطالبات جامعه است، جامعه‌شناس انتقادی در پی نقد ساختارها و رویه‌ها است و جامعه‌شناس سیاست‌گذار هم در پی تأمین خواست کارفرما. این طیف‌های مجزا از هم گویی در حین پژوهش خواست نهاد تصمیم‌گیر را فراموش می‌کنند.

به نظر می‌رسد آزمایشگاه سیاستی به‌عنوان کنشگر (نهاد) مرزی (فراستخواه، ۱۴۰۲) می‌تواند با قرارگرفتن در حفاصل میدان دانش آکادمیک، سیاست‌گذار و حوزه عمومی ملاحظات طرفین را تحقق بخشد و درپچه‌گشایی کند.

با عنایت به آنچه گفته شد، بازبینی و بازنگری مستمر سیاست‌ها با اتکا به دانش روز در جهت پاسخ به‌موقع به مسائل جامعه، موضوع انکارناپذیری است که ضرورتاً باید در دستور کار نظام حکمرانی قرار گیرد. ای بسا «با اندک تغییری در تقدم و تأخر مراحل اجرای یک بسته پیچیده سیاستی، دستاوردهای حاصل از اجرای بسته مذکور، به‌طور چشمگیری بهبود یابند» (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۶). چنین شرایطی پیش از هر چیز به وجود آزمایشگاه سیاستی برای کاهش نابسامانی‌ها و سردرگمی در نظام تصمیم‌گیر نیازمند است؛ زیرا با بهره‌گیری از ظرفیت آزمایشگاه سیاستی نه‌تنها امکان بازنگری به‌موقع در سیاست‌ها و رویه‌های غلط سیاست‌گذاری فراهم می‌شود، بلکه با سرعت‌بخشیدن به دانش عملی دانشگاهیان، هدفمندکردن مطالبات حوزه عمومی و متقاعدکردن نظام حکمرانی، تنقیح و به‌روزرسانی «قوانین مرده»^۱ یا متعارض را فراهم می‌کند.

۵-۶. آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه امکانی برای تقویت تفکر آینده‌پژوهانه در سیاست‌گذاری

هر راهبردی از یک نقطه‌ای در گذشته یا حال آغاز و به‌سوی مقصدی در آینده تدوین می‌شود. درواقع هنگامی که آدمی مبادرت به برنامه‌ریزی می‌کند وارد آینده می‌شود. از این‌رو، باید به‌گونه‌ای وارد آینده شد که اعمال گذشته و حال، اعمال آینده را در گروی خود قرار ندهند؛ بنابراین ورود به آینده باید با حزم و احتیاط کافی همراه باشد و سیستم مجری را در مقام قضاوت مستمر نسبت به پیامدهای اعمال خود قرار دهد (پورعزت و رضایان، ۱۴۰۰). این در حالی است که بی‌آنکه مسائل گذشته و اکنون حل شده باشند، در

۱. قوانینی که به‌دلیل درنظرنگرفتن شرایط و توان اجرایی دولت مصوب می‌شوند و قابلیت و امکان اجرا پیدا نمی‌کنند.

پی ورود به آینده مبهم هستیم. هم‌آیندی مسائل و مشکلات اجتماعی در دنیای کنونی سبب شده است سرعت تغییرات به نحو مہارنشدنی نشان داده شوند. در واقع امروزه سرعت تغییرات به قدری زیاد است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی اداره کردن، آن‌ها را کنترل کرد. در این صورت اگر با تغییرات سازگاری صورت نگیرد و از پیش آمادگی ورود به عرصه‌های آینده فراهم نشده باشد، نه تنها تصمیم‌گیران غافل‌گیر می‌شوند، بلکه جامعه زیر چرخ تغییرات خرد می‌شود؛ زیرا از جمله پیامدهای سیاست‌گذاری بی‌توجه به نگاه آینده‌پژوهانه، غافلگیری در برابر تغییرات است که عموماً شکست سیاست‌ها به دلیل بی‌توجهی به این ملاحظات است.

از آنجا که سیاست‌ها محصول فرایندی تاریخی هستند، نیازمند داده‌ها و اطلاعات به‌روز و دقیق درباره گذشته و حال اند تا از این طریق بتوان برآوردی از ریسک‌های آینده داشت و سیاست‌های متناسب با برآوردها را برای آینده ارائه کرد. تجارب سال‌های اخیر درباره سیاست‌های حمایتی از قبیل هدفمندسازی یارانه‌ها و حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی، نبود داشبورد اطلاعاتی قوی درباره تعداد افراد نیازمند حمایت، به‌روزی نبودن پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، ناتوانی در رصد فرارهای مالیاتی و... گواه بر ضعف داده‌ها و شواهد لازم برای سیاست‌گذاری اجتماعی است. این در حالی است که چرخه علمی خطمشی‌گذاری نیازمند دسترسی لازم به اطلاعات دقیق درباره کلان‌روندهای گذشته، وضعیت فعلی و آینده است. به هر میزان که شواهد کافی در اختیار سیاست‌پژوه قرار نگیرد، سناریوها نامطمئن و غیرقابل دفاع ارائه می‌شود و طراحی سیاست‌ها را دچار مسئله می‌کند. در چنین شرایطی، بی‌توجهی به روندهای گذشته و نادیده‌نگاشتن برآوردهای آینده، نوعی سیاست‌گذاری در خلأ را رقم می‌زند. به تعبیر بهتر می‌توان چنین توصیف کرد: «سیاست‌گذاری بی‌توجه به اطلاعات و کلان‌روندهای گذشته، تهی است و سیاست‌گذاری بی‌توجه به برآورد پیامدهای احتمالی آینده، کور و نابینا است.»

در این چارچوب، آینده‌پژوهی هنر مواجهه با تغییرات و شکل‌دادن به آینده است. از این‌رو، شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز حکمرانی است که در چهار وجه جامعه‌شناسی حرفه‌ای، انتقادی، مردم‌مدار و سیاست‌گذار کمتر مورد توجه واقع شده است. در این عرصه بیش از همه به جامعه‌شناسی آینده‌پژوه نیاز است. برای این منظور، آزمایشگاه سیاستی اساساً باید با نگاه آینده‌پژوهانه به طراحی سیاست پردازد تا از این طریق حکمرانان بتوانند در برابر سرعت تغییرات دوام بیاورند. ترکیب آینده‌نگری با داستان‌های طراحی، چارچوب‌های پیش‌بینی نوآورانه را در سیاست تقویت می‌کند (پلورا و نسیمنتو^۱، ۲۰۲۱).

۷-۵. آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی پیشینی برای ارزیابی تأثیر اجتماعی تصمیم‌ها

نسبت آینده‌پژوهی با آزمایشگاه سیاستی را می‌توان در مفهوم «ارزیابی تأثیر»^۲ سیاست‌ها دید. ارزیابی تأثیر، رویکردی علمی است که در سرتاسر جهان شناخته شده و دارای سابقه مطالعاتی گسترده است. تعاریف مختلفی از ارزیابی تأثیر ارائه شده است (روچ، ۱۳۸۷؛ بارچ، ۱۳۹۱؛ ونکلی و همکاران، ۱۴۰۰). طبق تعریف انجمن بین‌المللی، ارزیابی تأثیر^۳ فرایندی ساختاریافته برای در نظر گرفتن پیامدهای احتمالی اقدامات توسعه‌ای برای افراد و محیط آن‌ها است. به‌طور کلی ارزیابی تأثیر اجتماعی به‌عنوان یکی از نحله‌های ارزیابی تأثیر، حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که می‌کوشد با سهیم‌شدن در مراحل مختلف سیاست‌گذاری، شناخت معتبری از تغییراتی که در آینده به‌واسطه اقدامات سیاست‌گذاران رخ می‌دهند، ارائه دهد و پیش از اجرای خطمشی‌ها، تأثیرات اجتماعی ناشی از اجرای آن‌ها را برآورد کند.

1. Pólvara & Nascimento

2. Impact Assessment

3. International Association for Impact Assessment (IAIA)

علاوه بر این، با توجه به نقش میانجی آن، شرایط اجتماعی موفقیت سیاست‌ها را مطالعه می‌کند، تأثیرات منفی این اقدامات را پیش‌بینی می‌کند و با نگاه به آینده راهکارهایی را برای کاستن (تعدیل یا جبران) از آثار منفی و تقویت آثار مثبت ارائه می‌دهد.

یکی از امکان‌هایی که علم سیاستی در قالب «ارزیابی تأثیر» در اختیار تصمیم‌گیران قرار داده تا از تقلید کورکورانه و اشتباهات سیاسی پرهیز کنند، بررسی و آزمون سیاست‌ها پیش از اجرا تا حصول سنجش ظرفیت اجرایی است. از این طریق می‌توان میزان انطباق و سازگاری سیاست را با ظرفیت اجرایی نظام حکمرانی بررسی کرد. اهمیت این موضوع تا حدی است که صاحب‌نظران این حوزه (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۵؛ اندروز و همکاران، ۱۳۹۸)، ظرفیت اجرا را مرحله‌ای سرنوشت‌ساز و پیچیده در فرایند سیاست‌گذاری تلقی می‌کنند و حتی سطح توسعه‌یافتگی کشورها را تابع ظرفیت اجرا در دولت‌ها می‌دانند (اندروز و همکاران، ۱۳۹۸)؛ زیرا اجرای موفق سیاست‌های عمومی، سنگ زیرین اداره عمومی سالم و کارآمد محسوب می‌شود و جزء لاینفک و مکمل سایر مراحل سیاست‌گذاری عمومی است. از این‌رو، سنجش میزان توانایی دولت در اجرای خط‌مشی‌ها این امکان را فراهم می‌کند که میدان سیاست‌گذاری متناسب با اقتضانات و ظرفیت‌های موجود طراحی شود. در غیر این صورت در «دام قابلیت»^۱ گرفتار می‌آید.

در این چارچوب، آزمایشگاه سیاستی با اتکا بر ابزارهای تحلیلی مبتنی بر شواهد، امکانی را فراهم می‌کند که آزمایش‌ها نه در گستره و پهنای جامعه، بلکه در محیطی محدود انجام گیرد؛ به‌نحوی که آثار و پیامدهای اولیه، ثانویه و انباشتی سیاست متجلی شوند. همچنین تصمیم‌گیران از نتایج تصمیم خود آگاه شوند و در راستای اصلاح و بهبود سیاست‌ها، پیش از خسارات اقدام کنند. در چنین فراگردی است که حکومت‌ها قابلیت اجرا پیدا می‌کنند و سیاست‌ها را با کمترین هزینه‌های اجتماعی و سیاسی به اجرا درمی‌آورند. با چنین تلقی‌ای اگر ملاحظات اجتماعی مبنای ارزیابی سیاست‌های پیشین قرار می‌گرفت، بسیاری از این خط‌مشی‌ها امکان اجرا پیدا نمی‌کردند و به‌مراتب هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به بار نمی‌آوردند.

با عنایت به نسبت ارگانیک میان تفکر طراحی سیاست، آینده‌پژوهی و ارزیابی تأثیر، ضرورت ایجاد می‌کند سیاست‌ها برآمده از مطالعات علمی و روشمند باشد و پیش از تدوین سیاست‌ها، مطالعات ارزیابی تأثیر پیشینی در چارچوب آزمایشگاه سیاستی با نگاه آینده‌نگرانه صورت گرفته باشد. در واقع تزریق عقلانیت در میدان سیاست‌گذاری در شرایطی ایجاد می‌شود که نگاه عاملان متکی بر تفکر آینده‌پژوهانه باشد. در این چارچوب ضروری است پیش از آنکه سیاست‌مداران ایده‌های خود را روی جامعه آزمون کنند، ایده‌های خود را در آزمایشگاه سیاستی به محک انتقاد و ارزیابی قرار دهند. به تعبیر مهندسان باید آن‌ها را در شرایط «تونل باد»^۲ قرار داد تا میزان تاب‌آوری آن‌ها سنجش و شناسایی شود. با تداوم این روند اساساً نوعی فرایند عقلانی‌سازی میدان سیاست‌گذاری شکل می‌گیرد. در غیر این صورت، عملکرد نظام حکمرانی دچار اختلال می‌شود.

۸-۵. آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی برای شناخت بهتر ذی‌مدخلان در جهت مدیریت تعارض منافع

میدان سیاست‌گذاری محیطی متغیر، پویا و پیچیده است که بازیگران متعددی در آن حضور دارند و عرصه کشاکش بر سر منافع است. در این عرصه عده‌ای موافق و در طیف طرفداران ثبات در سیاست قرار می‌گیرند و عده‌ای دیگر مخالف سیاست در دستور کار هستند.

۱. دام قابلیت یا سیستم‌های در گل‌گیر کرده مفهومی است ناظر بر ناتوانی سازمان‌ها در اجرا که چنین تعریف شده است: «سازمان‌ها نمی‌توانند وظایفی را که از آن‌ها خواسته می‌شود انجام دهند و انجام هر روزه همان کار نیز کاری از پیش نمی‌برد، بلکه در واقع اوضاع را بدتر می‌کند» (اندروز و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۱).

۲. تونل باد (Wind Tunnel) را می‌توان محفظه‌ای بسیار بزرگ معرفی کرد که جریان هوا در آن با سرعت مشخصی در حال حرکت است. یکی از کاربردهای تونل باد، شبیه‌سازی وضعیت پرواز است. در این حالت، محققان از تونل باد برای فهم دقیق شیوه پرواز هواپیما استفاده می‌کنند. در این چارچوب، آزمایشگاه خط‌مشی را نیز می‌توان شبیه به تونل‌های باد تصور کرد که در پی آزمون تاب‌آوری خط‌مشی‌ها است.

این گروه به‌عنوان مدعیان اصلاح سیاست نیز از هر کوششی برای تغییر مسیر و حداقل بازگرداندن قطار به ایستگاه اول فروگذار نمی‌کنند. این دو گروه به تناسب منافع خود نسبت به موضوع سیاست جهت‌گیری پیدا می‌کنند و عرصه‌ای متنازع را ایجاد می‌کنند؛ بنابراین هریک از این بازیگران با ارائه شواهد و تحلیل‌هایی بر آن‌اند که مسئله با توجه به شواهد آن‌ها تعریف شود و ایده و رویکرد آن‌ها مبنای جهت‌گیری سیاست قرار گیرد. در این شرایط، میدان سیاست‌گذاری عرصه‌ای برای کنترل و مدیریت تعارض و مناقشه بازیگران سیاسی است که از ابزارهای مختلف برای به‌کرسی نشاندن منافع خود تلاش می‌کنند.

به تاسی از این میدان پرتنش، «عرصه سیاست‌گذاری همواره در کشاکش این دو جریان فربه و مؤثر قرار دارد. لذا این موقعیت را می‌توان یک وضعیت مناقشه‌آمیز تلقی کرد که مشحون از تناقض و رقابت بوده و پارادوکسیکال است» (حاجیانی، ۱۳۹۸). بعضاً جریان‌های مخالف قاعده‌گذاری صورت‌گرفته، از هر ابزاری برای متوقف کردن قاعده یا اصلاح و بازگشت به مسیر قبلی استفاده می‌کنند. در این رابطه پورعزت (۱۴۰۰) بر این باور است که «صحنه‌آرایی سیاسی و نحوه مواجهه ناچوانمردانه احزاب رقیب با یکدیگر، سبب می‌شود که ازدحام بیش‌ازحد آرا و نظرهای انتقادی سالم و ناسالم، موجب به‌حاشیه‌راندن بسیاری از نقدهای دلسوزانه علیه رویه‌های جاری دولتمردان شود». در این صورت اگر وفاقی میان این دو جریان حاصل نشود، طبیعتاً این مناقشه تا بر زمین زدن سیاست‌ها تداوم پیدا می‌کند. مضافاً اینکه در این شرایط، اگر جامعه‌شناسی حرفه‌ای و انتقادی محدود به حصار دانشگاه شوند و جامعه‌شناسی سیاست‌گذار هم تابع خواست و قدرت کارفرما باشد، عملاً علم اجتماعی عرصه کنشگری واقعی خود را در جامعه فراموش می‌کند. از میان این حوزه‌ها فقط جامعه‌شناسی مردم‌مدار (بوراووی، ۲۰۰۵) است که می‌تواند با طرح مسائل و مطالبات جامعه با هم‌دستی با جامعه‌شناسی سیاست‌گذار انتقادی (هلت، ۲۰۱۴) بستر بازبینی سیاست‌ها را فراهم آورد.

برای حل‌وفصل این وضعیت متناقض، بیش‌ازپیش به وجود آزمایشگاه سیاستی به‌عنوان محملی برای تضارب آرا و بررسی دیدگاه‌های مختلف نیاز است که در آنجا بتوان با اتخاذ رویکردهای تحلیلی پدیدارشناسانه، کنه واقعیت اجتماعی را فهم کرد و آنچه به صلاح جامعه و خیر عمومی است (هابرماس، ۱۹۹۶)، مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد و از این طریق جلوی لابی‌گری‌های سیاسی مرسوم و تعارض منافع را با بهره‌گیری از کنش‌های ارتباطی عقلانی گرفت. به زبان ساده، مهم‌ترین کارویژه آزمایشگاه سیاستی آشکارکردن واقعیتی است که به خیر عمومی منجر شود. از این‌رو، ثبات یا تغییر سیاست‌ها در آزمایشگاه‌های سیاستی اصالت ندارند و آنچه مهم و مبنای عمل آن‌ها باید باشد، ارزش‌ها، آرمان‌ها و منافع و خیر عمومی جامعه است. در این چارچوب، آزمایشگاه سیاستی فرایند اصلاح و پیوند قوانین با بسترهای اجتماعی را تسهیل می‌کند و با توجه به قابلیت‌های نظام تصمیم‌گیر، از تولید یا بازنگری سلیقه‌ای قوانین پرهیز می‌شود؛ زیرا با بهره‌گیری از ظرفیت آزمایشگاه سیاستی، امکان بازنگری در رویه‌های غلط سیاست‌گذاری فراهم می‌آید.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

خطاها و کاستی‌های سیاست‌گذاری چند سال اخیر در کشور سبب شده است که اعتماد به عقلانیت نظام حکمرانی کاهش پیدا کند و میدان سیاست‌گذاری به‌مثابه عرصه‌ای نمایان شود که جامعه پنداشت مثبتی از عملکرد آن ندارد (غفاری، ۱۴۰۳؛ یوسف‌وند، ۱۴۰۳). استمرار این روند به ناعقلانی‌ترشدن عرصه سیاست‌گذاری می‌انجامد. این در حالی است که در شرایط کنونی نظام حکمرانی بیش‌ازپیش نیازمند ترمیم سرمایه اجتماعی از طریق رواداری اجتماعی و تزریق عقلانیت در میدان سیاست‌گذاری است. این مهم از رهگذر آزمایشگاه سیاستی می‌گذرد. در این چارچوب ضروری است پیش از آنکه سیاست‌مداران ایده‌های خود را روی جامعه آزمون

کنند، ایده‌ها در آزمایشگاه سیاستی به محک انتقاد و ارزیابی قرار داده شوند تا میزان تاب‌آوری آن‌ها سنجش و شناسایی شود. با تداوم این روند اساساً نوعی فرایند عقلانی‌سازی میدان سیاست‌گذاری شکل می‌گیرد. در غیر این صورت، عملکرد نظام حکمرانی دچار اختلال می‌شود. در این چارچوب، عقلانی‌بودن یک حکم قانونی یا سیاست منوط به روایی و اعتبار شناختی است که در آن نهفته است. به دیگر سخن، ادعای اینکه یک طرح و برنامه کارآمد و مثمر خواهد بود، در صورتی عقلانی است که بتواند در مقابل انتقاداتی که به محتوای معنایی و شرایط اعتبار آن می‌شود، تاب بیاورد. معنای این امر آن است که هر نوع دعوای شناختی در عرصه سیاست باید خود را در معرض نقد و ارزیابی بین‌الذهانی قرار دهد.



نمودار ۴. مدل آزمایشگاه سیاستی به مثابه امکانی برای عقلانی‌تر عمل کردن نظام حکمرانی

با عنایت به آنچه تاکنون درباره دلالت‌های اجتماعی آزمایشگاه سیاستی به مثابه ضرورتی برای ایران آینده گفته شد، برای فهم ساده‌تر موضوع می‌توان وجه بارز و برجسته آزمایشگاه سیاستی نسبت به عرصه سیاست را در مفهوم «عقلانیت» خلاصه کرد. درحالی‌که عقلانیت مورد ارجاع در عرصه سیاست، «عقلانیت ابزاری» است، عقلانیت مورد استفاده در آزمایشگاه سیاستی، تابع «عقلانیت فهمی» است. برای فهم بهتر آزمایشگاه سیاستی، شایسته است آن را در تمایز با عرصه سیاست مرسوم نشان داد که در قالب گزاره‌های زیر ارائه شده است:

- عموماً در عرصه سیاست، صدای باصداها شنیده می‌شود؛ درحالی‌که آزمایشگاه سیاستی، عرصه تک‌صدایی نیست و در آن تکتک، پویایی و گفت‌وگو جریان دارد و صدای بی‌صداها هم شنیده می‌شود. آزمایشگاه‌های سیاستی نوعی گشوده‌تر کردن نظام

- سیاست‌گذاری به‌سوی عرصه عمومی است که در آن صداهای مختلف با اتکا به مفاهمه، گفتگو و استدلال عقلانی شنیده می‌شود و تک‌صدایی در این عرصه وجود ندارد؛
- معمولاً در عرصه سیاست، تصمیمات در اتاق‌های در بسته، با کمترین شواهد عقلانی و محدود به عاملان معدودی اتخاذ می‌شود که به بیگانگی از سیاست می‌انجامد؛ درحالی‌که در آزمایشگاه سیاستی، تصمیمات در بستری مشارکتی با حداکثر تنوع عاملان و با بیشترین شواهد گرفته می‌شود که موجب مهار بیگانگی از سیاست و افزایش همدلی در اجرای سیاست می‌شود و معناداری اجتماعی را در نظام حکمرانی تزریق می‌کند؛
- اگر تاکنون عرصه سیاست میدان نزاع و مناقشه بر سر منافع فردی بوده، با پذیرفتن آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه گامی به‌سوی عقلانی‌تر شدن نظام حکمرانی، میدان سیاست‌گذاری به عرصه‌ای برای گفتگو بر سر منافع عمومی جامعه بدل می‌شود و سرانجام ائتلافی از تفاهم ایجاد می‌کند؛
- اگر تاکنون عقلانیت ابزاری بر عرصه سیاست مسلط بوده، در آزمایشگاه سیاستی عقلانیت خردمبنا اصل است؛ عقلانیت هابرماسی که در چارچوب عقل‌رهایی‌بخش انتقادی تجلی می‌یابد و از رهگذر تفاهم ارتباطی به‌دست می‌آید و در قالب عقل‌نظری و عقل‌ذاتی تجلی می‌یابد؛
- عرصه سیاست تاکنون بستری برای شعار، وعده‌ووعید و اقدامات نمایشی بوده و از این طریق با سندنویسی بی‌رویه، بار بیش‌ازحد بر دوش کارگزاران نهاده است؛ درحالی‌که آزمایشگاه سیاستی عرصه‌ای برای واقع‌بینی و اقدام به اندازه ظرفیت نظام حکمرانی تلقی می‌شود؛
- در الگوهای حکومت‌داری مرسوم، اگر قائل به گسست میان نهاد جامعه، علم و نظام تصمیم‌گیری در آن‌ها نباشیم، لاقلاً انسجام و هماهنگی لازم میان سه ضلع نظام تصمیم‌گیر، نهاد جامعه و علم‌الاجتماع وجود ندارد و عمده ارتباطات میان این نهادها سطحی و تشریفاتی است؛ درحالی‌که آزمایشگاه سیاستی به‌مثابه نهاد مرزی، نه تنها بر وجود ارتباط ارگانیک میان بازیگران این عرصه متکی است، بلکه به‌مثابه امکانی برای پیوند میان بازیگران تلقی می‌شود؛
- می‌توان گفت در عرصه سیاست ابهام، عدم شفافیت و سردرگمی یک رویه عادی در نظام دیوانسالاری است؛ درحالی‌که در آزمایشگاه سیاستی، اصل بر شفافیت و رهایی از ابهام و سردرگمی در دوره‌های تصمیم‌گیری است؛
- عموماً در عرصه سیاست مداخلات سلیقه‌ای، گزینشی و نابهنگام است، اما آزمایشگاه سیاستی فارغ از تعجیل و تأخیر، به تناسب اهمیت مسئله وارد می‌شود و پیشنهادهای خود را در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد؛
- باور مرسوم، سیاست را عرصه قدرت و ثروت تعریف می‌کند، اما با پذیرش راهبرد عقلانی، آزمایشگاه سیاستی عرصه سیاست‌گذاری در پی خیر عمومی جامعه تلقی می‌شود؛
- در عرصه حکمرانی متعارف، توجهی به ارزیابی تأثیر اجتماعی پیشینی نمی‌کنند و عمدتاً توجیهات فنی، اقتصادی ظاهری و صوری را برای تصویب و اجرا کافی می‌دانند، ما در آزمایشگاه سیاستی علاوه بر انجام ارزیابی تأثیر پیشینی و رعایت ملاحظات فوق، توجیه اجتماعی و آینده‌نگر نیز مبنا است و از چنان قابلیت برخوردار است که می‌تواند تصمیمات دارای هزینه اجتماعی را متوقف کند؛
- در عرصه سیاست، تصمیم‌گیران برای اتخاذ یک تصمیم بر صرف داده‌های کمی و نمره میانگین‌ها اکتفا می‌کنند و الگوی یکسانی را برای همه گروه‌ها در مکان‌ها و زمان‌های مختلف اجرا می‌کنند؛ درحالی‌که آزمایشگاه سیاستی در پی «طراحی سیاست»، با بهره‌گیری از شواهد و اطلاعات کیفی و زمینه‌ای است تا سیاست‌های متناسب با موقعیت‌های مکانی و زمانی ارائه دهد؛

- اگر عرصه سیاست در پی ترجیح منافع نامشروع عده‌ای بر منافع مشروع گروه دیگری است، با عقلانی‌تر کردن نظام حکمرانی از رهگذر آزمایشگاه سیاستی، تحقق عدالت اجتماعی مبنای عمل بازیگران قرار می‌گیرد؛
- عمدتاً در عرصه سیاست، ارزیابی، نقد و انتقاد از عملکرد مسئولان، با برچسب‌هایی همچون سیاه‌نمایی همراه است؛ درحالی‌که در آزمایشگاه سیاستی گفتگوی عقلانی و انتقادی تشویق می‌شود تا از این طریق بتوان خطاها و کاستی‌های سیاست‌گذاری را پیش از اجرا برطرف کرد و با کمترین خسارات، سیاست‌ها را به اجرا درآورد؛
- اگر در سیستم‌های حکومت‌مدار اصرار و پافشاری بر تداوم سیاست‌های غلط می‌شود، در آزمایشگاه‌های حکمرانی اصل بر بازاندیشی، اصلاح و تغییر سیاست‌های ناکارآمد است.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- استادعلی‌دهقی، رضوان (۱۴۰۰). گزارش آزمایشگاه سیاستی: فرایندی مردم‌محور و داده‌محور. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری. اکبری، ایمان و عبدالحسین‌زاده، محمد (۱۴۰۱). نقش و کاربرد شبیه‌سازی در ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری، خطمشی‌گذاری و قانون‌گذاری. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اندروز، مت، پریچت، لنت و وولکاک، مایکل (۱۳۹۸). توسعه به‌مثابه توانمندسازی حکومت: شواهد، تحلیل و عمل. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی. تهران: روزنه.
- ایزدپرست، محمدحسن، پورعزت، علی‌اصغر و امیرکبیری، علیرضا (۱۴۰۲). شناسایی و به‌گزینی ویژگی‌های مناسب برای آزمایشگاه خطمشی قوه مجریه ج.ا.ا. فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۳(۴۶)، ۱۲۴-۱۴۱.
- <https://doi.org/10.22034/sspp.2023.1983442.3349>
- بارج، رایلی جی (۱۳۹۱). مفاهیم، فرایند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی. ترجمه کاوه اکبری، سمانه مرتضوی گازار و افسانه قره‌داغی. تهران: نشر جامعه و فرهنگ.
- بوراووی، مایکل، فاکس‌پیون، فرانسیس، حنفی، ساری و بلو، والدین (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی مردم‌مدار در کارزار عمل. ترجمه بهرنگ صدیقی و روح‌الله گل‌مرادی. تهران: نشر نی.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۵). تصویرپردازی از دانشکده حکومت. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۴(۲)، ۱۴۳-۱۵۲.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2322522.1395.4.0.24.9>
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۰). طراحی آزمایشگاه خطمشی و آرایش بخردانه صحنه تصمیم، برای اجتناب از داستان آزمون‌وخطا در عرصه حکمرانی قوه مجریه. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۹(۳)، ۱۶۱-۱۷۰.
- <https://www.doi.org/10.30473/ipom.2021.7949>
- پورعزت، علی‌اصغر، برهانی، تهمینه و فقیهی، محمدحسن (۱۴۰۱). آزمایشگاه خطمشی آوردگاه آزمون خطمشی‌های عمومی. تهران: دانشگاه تهران.
- پورعزت، علی‌اصغر و رضایان، احد (۱۴۰۰). هوش آینده‌پژوهشی؛ لازمه دیدبانی اثربخش در تحقق چشم‌اندازها. فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۳(۳)، ۹-۱.
- پیوزی، مایکل (۱۳۸۴). بورگن هابرماس. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
- تاج‌مزینانی، علی‌اکبر، غفاری، غلامرضا و باقری، یاسر (۱۳۹۶). وضعیت زمان، مسئله‌بودگی و صورت‌بندی سیاست‌گذاری اجتماعی (مطالعه موردی: لوایح و طرح‌های مجلس هشتم و نهم). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۳)، ۱-۳۶.
- <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8703>

- جواهری، فاطمه (۱۴۰۰). پیمایش‌های ملی و نظام دانش جامعه‌شناسی ایران. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۴)، ۴۹۵-۵۱۳.
<https://doi.org/10.22059/JISR.2023.361330.1418>
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۸). تناقض (نمای) ثبات در سیاست‌گذاری با بازبینی مستمر سیاست‌ها. *مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن)*، ۹(۳۱)، ۱۵-۱۸.
- رفیعی، حسن، مدنی قهفرخی، سعید و وامقی، مرانه (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۱)، ۱۵۱-۱۶۰.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1387.9.1.8.3>
- روچ، کریس (۱۳۸۷). *ارزیابی تأثیر پروژه*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: اختران.
- ریتز، جورج (۱۳۸۳). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ستاری، علی، یزدانی، فاطمه و فرازی، عباس (۱۳۹۶). بررسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس و دلالت‌های آن در آموزش عالی در ایران. *مجله علوم تربیتی*، ۲۴(۱)، ۱۲۱-۱۵۰.
<https://doi.org/10.22055/edu.2017.17233.1749>
- عبدالحمید، مهدی و عبدالحسین‌زاده، محمد (۱۳۹۶). کشف و استخراج مؤلفه‌ها و خرده‌نظام‌های دانشکده حکمرانی از طریق کاربرد مطالعه تطبیقی دانشکده‌های حکمرانی منتخب. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۹(۳)، ۳۵۹-۳۷۸.
<https://doi.org/10.22059/jjpa.2017.232214.1985>
- غفاری، غلامرضا (۱۴۰۳). مسئله اعتماد اجتماعی و چالش حکمرانی در ایران معاصر. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۴)، ۴۶۹-۴۹۴.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.386485.1563>
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۲). *پشت دریاها شهری است*. تهران: تیسرا.
- فراستخواه، مقصود (۱۴۰۲). *کنشگران مرزی*. تهران: گام نو.
- قاضی‌نوری، سید سروش، نصیری، حامد و آقایی، پروانه (۱۴۰۰). *آزمایشگاه سیاستی، مفاهیم، ابزارها و کاربردها*. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- قانع‌ی‌راد، محمدامین (۱۳۹۴). نسبت علم و حوزه عمومی. سخنرانی در انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- گل‌وردی، مهدی، دانایی‌فرد، حسن، باباشاهی، جبار و رحمتی، محمدحسین (۱۳۹۷). بررسی وجود بیگانگی مجریان از خط‌مشی‌های مالیاتی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۱(۴)، ۸۱-۹۸.
<https://doi.org/10.22059/jjpa.2020.294973.2676>
- محمدخانی، یاسر، توفیق، ابراهیم، کلاهی، محمدرضا و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۴۰۳). تحلیل جایگاه مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در جامعه‌شناسی آکادمیک ایران (دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۱)، ۱-۱۵.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.366931.1450>
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۶). *بازخوانی هابرماس (درآمدی بر آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هابرماس)*. تهران: چشمه.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۴). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور. تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها. <https://ircud.ir/Media/PDF/1400/03/05/637576369107022893.pdf>
- وزارت کشور (۱۳۹۳). *سنجش سرمایه اجتماعی کشور: پیمایش ملی*. تهران: شورای اجتماعی و دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. <https://ircud.ir/fa/content/283654>
- ونکلی، فرانک و استیوز، آنا ماریا (۱۴۰۰). *رهیافت‌هایی نو در ارزیابی تأثیر اجتماعی: پیشرفت‌های مفهومی و روش‌شناختی*. ترجمه حمید قیصری. تهران: همشهری.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴). *نظریه کنش ارتباطی*. ترجمه کمال پوالدی. تهران: مرکز.
- یوسفوند، سامان (۱۴۰۰). ناترازی چرخه سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران. *همایش ملی سیاست‌گذاری اجتماعی*. دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱.

یوسفوند، سامان (۱۴۰۱). بررسی فرازوفروندهای سرمایه اجتماعی در ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Abdolhamid, M., & Abdolhosseinzadeh, M. (2017). Identifying Governance School Components Through Comparative Analysis of Selected Governance Schools. *Public Administration Quarterly*, 9(3), 359-378. <https://doi.org/10.22059/jipa.2017.232214.1985> (In Persian)
- Akbari, I., & Abdolhosseinzadeh, M. (2022). The Role and Application of Simulation in Enhancing the Quality of Decision-Making, Policymaking, and Legislation. *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*. (In Persian)
- Andrews, M., Pritchett, L., & Woolcock, M. (2019). *Building State Capability: Evidence, Analysis, and Action*. Translated by: J. Kheirkhahan & M. Doroudi. Tehran: Rozaneh. (In Persian)
- Bailey, J., Hinrichs-Krapels, S., Pollitt, A., & Duffy, B. (2019). *Policy and Innovation Lab Landscape Review. Technical Internal Document*. The Policy Institute, King's College London. <https://doi.org/10.1080/25741292.2021.1940700>
- Bason, C. (2014). "Introduction: The Design for Policy Nexus." In *Design for Policy*, edited by C. Bason. Farnham, UK: Gower Publishing.
- Beck, U. (1996). *The Reinvention of Politics: Rethinking Modernity in the Global Social Order*. Cambridge: Polity Press.
- Burawoy, M., Fox-Piven, F., Hanafi, S., & Walden Bello. (2018). *Public Sociology in Action*. Translated by: B. Sedighi & R. Golmoradi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Burawoy, M. (2005). For Public Sociology. *American Sociological Review*, 70(1), 4-28. <https://doi.org/10.1177/000312240507000102>
- Burawoy, M. (2014). Introduction: Sociology as a combat Sport. *Current Sociology*, 62(2), 140-150. <https://doi.org/10.1177/0011392113514713>
- Burde, R. J. (2012). *Concepts, Processes, and Methods for Social Impact Assessment*. Translated by: K. Akbari, S. Mortezaei-Gazar, & A. Ghareh-Daghi. Tehran: Society and Culture Publishing. (In Persian)
- Farasatkah, M. (2023). *Boundary Actors*. Tehran: Gam-e-No Publishing. (In Persian)
- Fazeli, N. (2013). *Beyond the Seas, There is a City*. Tehran: Tisa Publishing. (In Persian)
- Ghaffari, G. (2024). The Dilemma of Social Trust and the Challenge of Governance in Contemporary Iran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(4), 469-494. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.386485.1563> (In Persian)
- Ghaneirad, M. A. (2015). The Relationship between Science and the Public Sphere. *Speech at the Iranian Sociological Association*. (In Persian)
- Ghazi-Nouri, S. S., Nasiri, H., & Aghaei, P. (2021). *Policy Labs: Concepts, Tools, and Applications*. Tehran: National Research Institute for Science Policy. (In Persian)
- Golverdi, M., Danaeifard, H., Babashahi, J., & Rahmati, M. H. (2018). Examining Policy Alienation among Tax Policy Implementers. *Public Policy Quarterly*, 1(4), 81-98. <https://doi.org/10.22059/jipa.2020.294973.2676> (In Persian)
- Habermas, J. (1996). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Tr. by Thomas Burger and Fredrick Lawrence. Cambridge: Massachusetts: The MIT Press. <https://doi.org/10.1080/23753234.2023.2248186>
- Habermas, J. (2015). *The Theory of Communicative Action*. Translated by: K. Pualadi. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Hajiani, E. (2019). The Paradox of Stability in Policymaking and the Need for Continuous Policy Review. *Strategic Studies of Public Policy Journal (Globalization Strategic Studies)*, 9(31), 15-18. (In Persian)
- Hinrichs-Krapels, S., Bailey, J., Boulding, H., Duffy, B., Hesketh, R., Kinloch, E., ... & Grant, J. (2020). Using Policy Labs as a process to bring evidence closer to public policymaking: a guide to one approach. *Palgrave Communications*, 6(1), 1-9.
- Von Holdt, K. (2014). Critical engagement in fields of power: Cycles of sociological activism in post-apartheid South Africa. *Current Sociology*, 62(2), 181-196. <https://doi.org/10.1177/0011392113514721>
- Hood, C. M., Gennuso, K. P., Swain, G. R., & Catlin, B. B. (2016). County health rankings: relationships between determinant factors and health outcomes. *American Journal of Preventive Medicine*, 50(2), 129-135.

- <http://dx.doi.org/10.1016/j.amepre.2015.08.024>
- Howlett, M. (2014). From the 'Old' to the 'New' Policy Design: design Thinking beyond Markets and Collaborative Governance. *Policy Sciences*, 47(3), 187-207. <http://dx.doi.org/10.1007/s11077-014-9199-0>
- Izadparast, M. H., Pourezat, A. A., & Amirkabiri, A. (2023). Identifying and Selecting Suitable Features for the Policy Lab of the Executive Branch of the I.R.I. *Strategic Studies of Public Policy Quarterly*, 13(46), 124-141. <https://doi.org/10.22034/sspp.2023.1983442.3349> (In Persian)
- Javaheri, F. (2021). National Surveys and the Knowledge System of Sociology in Iran. *Iranian Journal of Social Studies and Research*, 12(4), 495-513. <https://doi.org/10.22059/JISR.2023.361330.1418> (In Persian)
- Kingdon, J. W., & Stano, E. (1984). *Agendas, Alternatives and Public Policies*. New York: Harper Collins.
- Lewis, J. M. (2021). The limits of policy labs: Characteristics, opportunities and constraints. *Policy Design and Practice*, 4(2), 242-251. <http://dx.doi.org/10.1080/25741292.2020.1859077>
- McGann, M., Wells, T., & Blomkamp, E. (2021). Innovation labs and co-production in public problem solving. *Public Management Review*, 23(2), 297-316. <http://dx.doi.org/10.1080/14719037.2019.1699946>
- McGann, M., Lewis, J. M., & Blomkamp, E. (2018). Mapping public sector innovation units in Australia and New Zealand 2018 Survey Report. <http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.15579.87842>
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2015). *Values and Attitudes of Iranians: Findings from a National Survey in 28 Provinces*. Tehran: National Survey of Values and Attitudes Office. <https://ircud.ir/Media/PDF/1400/03/05/637576369107022893> (In Persian)
- Ministry of Interior. (2014). *Measuring Social Capital in Iran: National Survey*. Tehran: Social Council and National Projects Office, Institute for Culture, Art, and Communication Research. (In Persian)
- Mohammadi-Khani, Y., Tavakoli, E., Kalahi, M. R., & Imani-Jajarmi, H. (2024). Analyzing the Role of the Institute for Social Studies and Research at the University of Tehran in Academic Sociology in Iran (1950s-1960s). *Iranian Journal of Social Studies and Research*, 13(1), 1-15. <https://doi.org/10.22059/jISR.2024.366931.1450> (In Persian)
- Nozari, H. (2007). *A Critical Reading of Habermas: An Introduction to His Thoughts and Theories*. Tehran: Cheshmeh. (In Persian)
- Ostadali Dehaghi, R. (2021). *Policy Lab Report: A People-Centered and Data-Driven Process*. Center for Development Research and Foresight. (In Persian)
- Pusey, M. (2005). *Jürgen Habermas*. Translated by: A. Tadayyon. Tehran: Hermes. (In Persian)
- Pólvora, A., & Nascimento, S. (2021). Foresight and design fictions meet at a policy lab: An experimentation approach in public sector innovation. *Futures*, 128, 102709. <http://dx.doi.org/10.1016/j.futures.2021.102709>
- Pourezat, A. A. (2016). Imagining the School of Governance. *Public Organizations Management Quarterly*, 4(2), 143-152. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2322522.1395.4.0.24.9> (In Persian)
- Pourezat, A. A. (2021). Designing a Policy Lab and Rationally Structuring the Decision Scene to Avoid a Trial-and-Error Approach in the Governance of the Executive Branch. *Public Organizations Management*, 9(3), 161-170. <https://www.doi.org/10.30473/ipom.2021.7949> (In Persian)
- Pourezat, A. A., & Rezayan, A. (2021). Futures Intelligence: A Prerequisite for Effective Horizon Scanning in Achieving Visions. *Future Cities Perspective Quarterly*, 2(3), 1-9. (In Persian)
- Pourezat, A. A., Borhani, T., & Faghihi, M. H. (2022). *Policy Lab: A Platform for Testing Public Policies*. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Puttick, R., Colligan, P., & Baeck, P. (2014). *I-Teams: The teams and funds making innovation happen in governments around the world*. Nesta and Bloomberg Philanthropies.
- Rafiei, H., Madani Ghahfarrokhi, S., & Vamghi, M. (2008). Social Problems in National Priorities. *Iranian Journal of Sociology*, 9(1), 151-160. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1387.9.1.8.3> (In Persian)
- Ritzer, G. (2004). *Contemporary Sociological Theory*. Translated by: M. Salasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Roche, C. (2008). *Impact Assessment for Development Agencies*. Translated by: H. Chavoshian. Tehran: Akhtaran. (In Persian)
- Rodríguez-Garavito, C. (2014). Amphibious sociology: Dilemmas and possibilities of public sociology in a multimedia world. *Current Sociology*, 62(2), 156-167.

- Sanders, E. B. N., & Stappers, P. J. (2008). Co-creation and the new landscapes of design. *Co-design*, 4(1), 5-18. <http://dx.doi.org/10.1080/15710880701875068>
- Sattari, A., Yazdani, F., & Farazi, A. (2017). Analyzing Habermas' Communicative Action Theory and Its Implications for Higher Education in Iran. *Journal of Educational Sciences*, 6(1), 121-150. <https://doi.org/10.22055/edu.2017.17233.1749> (In Persian)
- Scott, W. R. & Davis, G. F. (2008) *Rational, Natural, and Open System Perspectives*. Pearson International Edition. <https://doi.org/10.2307/3339861>
- Tajmazinani, A. A., Ghaffari, G., & Bagheri, Y. (2017). Temporal Status, Problematic Nature, and the Formulation of Social Policy: A Case Study of the Eighth and Ninth Parliament's Bills and Proposals. *Journal of Welfare Planning and Social Development*, 9(33). (In Persian) DOI: 10.22054/qjdsd.2017.8703
- Tummers, L.G. (2017). *Bureaucracy and Policy Alienation*. In: *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance* (3rd Ed.). edited by A. Farazmand (ed.). 1-8. Springer Nature: New York.
- Vanclay, F., & Esteves, A. M. (2021). *New Approaches in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*. Translated by: H. Ghaissari. Tehran: Hamshahri Publishing. (In Persian)
- Whicher, A. (2021). Evolution of policy labs and use of design for policy in UK government. *Policy Design and Practice*, 4(2), 252-270. <https://doi.org/10.1080/25741292.2021.1883834>
- Yousefvand, S. (2021). Imbalances in the Social Policy Cycle in Iran. *National Conference on Social Policy, Allameh Tabataba'i University*, May 8-9, 2022. (In Persian)
- Yousefvand, S. (2022). Examining the Rise and Fall of Social Capital in Iran. *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*. (In Persian)